

دسترسی به اطلاعات و شفافیت در دستگاه قضایی

(یک راهنما به رویه‌های خوب از آمریکای لاتین) ۲۰۱۰

نویسندگان:

آلوارو هرررر

گاسپار لوپز

ترجمه

سید جعفر اسحاقی؛ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران

فاطمه متین پور؛ دانش‌آموخته حقوق تجارت بین‌الملل پردیس فارابی دانشگاه تهران

پیش‌درآمد

بیش از یک دهه است که «اتحادیه برای حقوق مدنی»^۱ فعالانه برای تقویت فرهنگ حقوقی و سازمانی مطابق با قانون اساسی ملی آرژانتین، استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی و ارزش‌های دموکراسی، که ضامن حقوق اساسی اشخاص باشد، تلاش می‌کند. در میان سایر اهداف، اتحادیه برای حقوق مدنی به دنبال نظارت و حمایت از اصلاحات در نهادهای دموکراسی مانند قوه قضاییه است که بهبود عملکرد آنها، حفاظت بیشتری از حقوق شهروندی را فراهم می‌کند.

در آغاز ۲۰۰۸، این اتحادیه پروژه‌ای برای ثبت رویه‌ها و تجربه‌های خوب مختلف در چندین کشور آمریکای لاتین آغاز کرد، که به دسترسی به اطلاعات و شفافیت دولت مربوط بود، بطور دقیق‌تر، تجربه‌های نوآورانه مربوط به سه حوزه‌ی؛ قوه قضاییه، کنگره و سازمان‌های حسابرسی عالی.^۲ این حرکت با حمایت ارزشمند برنامه دسترسی به اطلاعات سازمان بانک جهانی انجام شد.

این اتحادیه علاوه بر هماهنگی پروژه، مسئول تحقیق خاص در مورد رویه‌های خوب در سیستم‌های قضایی آمریکای لاتین بوده است. چند سال پیش ما به این موضوع علاقمند شدیم. از سال ۲۰۰۱، این اتحادیه فعالانه در زمینه ارتقاء اصلاحاتی که هدف آن افزایش شفافیت و مشارکت جامعه مدنی در عملکرد قوه قضاییه است، کار کرده است.

برای انجام پژوهش در دو حوزه دیگر – موسسات حسابرسی عالی و کنگره – این اتحادیه دو سازمان متخصص را که رهبران منطقه‌ای در این زمینه‌ها هستند: انجمن مدنی برابری و عدالت^۳ از آرژانتین و بنیاد پرو اکسسو^۴ از شیلی دعوت به همکاری کرد.

^۱Asociación por los Derechos Civiles, ADC

^۲ Supreme Audit Institutions

^۳ Asociación Civil por la Igualdad y la Justicia, ACIJ

^۴ Fundación Pro Acceso

نتیجه این پروژه در یک سری از اسناد (۳ سند) که قرار است به عنوان مرجعی برای سازمان‌های غیردولتی در منطقه، مقامات دولتی، هیات‌های علمی دانشگاهی و کارشناسان سیاست عمومی^۵ عمل کنند، منعکس شده است. این مقالات به وسیله آلوارو هررو و گاسپار لوپز از این اتحادیه؛ اکوئیل نینو از انجمن مدنی برابری و عدالت و توماس ویال سولار از بنیاد پرو اکسسو نوشته شده است.

التهایه از بررسی‌کنندگان داخل و خارج از سازمان بانک جهانی برای نظرات ارزشمندشان درباره این سه سند، تشکر می‌کنیم. با این وجود مسئولیت هر گونه خطا و نقصی تنها متوجه نویسندگان است.

۱. چکیده اجرایی

این سند شامل مجموعه‌ای از رویه‌هایی است که با هدف ارتقای دسترسی به اطلاعات و شفافیت در حوزه‌های مختلف عملکرد نظام قضایی، به ویژه قوه قضاییه، که عملکردی را که دموکراتیک‌تر و بازتر برای شهروندان است، ارتقاء می‌دهد. برای این منظور به تجزیه و تحلیل با توجه به دو بعد روی آوردیم: دسترسی به اطلاعات و شفافیت در مورد عملکرد اداری قوه قضاییه و همچنین عملکردهای قضایی قوه قضاییه.

بخش‌های سوم و چهارم شامل مقدمه‌ای بر زمینه‌ای که در آن قوه قضاییه در آمریکای لاتین عمل می‌کند و شناسایی چالش‌های مرتبطی که با آن مواجه است، می‌باشد. یکی از این چالش‌ها، فقدان اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و فاصله آنها از جامعه است. پتانسیل دسترسی به اصلاحات اطلاعاتی و شفافیت برای کمک به معکوس کردن این وضعیت، برجسته شده است. همچنین بر سهم این اصلاحات در تقویت استقلال و مسئولیت‌پذیری قوه قضاییه و در نتیجه افزایش نقش آن در زمینه گسترده تر حکمرانی تاکید شده است.

بخش پنجم دسترسی به دسته‌بندی‌های مختلف اطلاعات مربوط به عملیات اداری قوه قضاییه را بررسی می‌کند. برخی از موارد برجسته شده شامل دسترسی به اطلاعات و شفافیت در بودجه، تدارکات، هزینه‌ها و مانند آن می‌شود. همچنین تحلیلی بر اهمیت فراهم ساختن دسترسی به اعلامیه‌های دارایی و درآمد^۶ قضا و انتشار آمار دادگاه وجود دارد. سرانجام در مورد مساله‌ای که در سال‌های اخیر ارتباط فزاینده‌ای یافته است بحث می‌کنیم: شفافیت و مشارکت شهروندان در روند تعیین قضات^۷.

بخش ششم درباره دسته‌بندی‌های اطلاعات مرتبط با عملکرد قضایی قوه قضاییه بحث می‌کند. انتشار احکام دادگاه، دسترسی به پرونده‌ها در پرونده‌های فساد و تعقیب انضباطی مقامات قضایی مورد بررسی قرار گرفته و ابتکارات نوآورانه برای تقویت مشارکت جامعه مدنی شرح داده شده اند.

^۵. Public policy

^۶. Accountability

^۷. Assets and income disclosure statements

^۸. Transparency and citizen participation in the process to appoint judges

دسته‌بندی‌های مورد بررسی در این دو بخش اخیر، از طریق یک سری تجربیات که در چند کشور منطقه انجام شده، نشان داده شده است. این تجربیات بر اساس اینکه چگونه آنها استانداردهای عمومی‌سازی^۹ و مشارکت را رعایت می‌کنند، برگزیده شده‌اند. شایان ذکر است که این سند قصد ندارد لیست جامع تجربیات و یا روش‌های اجرایی کردن آن تجربیات را ارائه دهد. با این حال، نمونه‌هایی که در اینجا ارائه شده است، ممکن است به طور بالقوه توسط کشورهای آمریکای لاتین تکرار و اتخاذ شوند تا عملکرد نظام‌های عدالت خود را در بازتر و شفاف‌تر کنند.

۲. درآمد

قوه قضاییه یکی از سه شاخه حکومت است. به همین ترتیب کارکرد آن فراتر از نقش سنتی «شخص ثالث بی‌طرف» در حل اختلافات است. مداخله آن در نظام سیاسی می‌تواند عمیق باشد که - گاهی اوقات به روشی بسیار پیچیده - بر ارتباط دولت و شهروندان، همچنین روابط بین کنشگران اجتماعی مختلف تاثیر می‌گذارد. تحقیقات کنونی که از منظر علم سیاست و حقوق انجام شده، مشارکت گسترده قوه قضاییه در فرآیند توسعه سیاست عمومی، به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق و کنترل سایر قدرت‌های دولتی را مستند کرده است.

در این زمینه و با توجه به اهمیت قوه قضاییه به لحاظ شرایط سیاسی و نهادی، اصلاحات شفافیت و دسترسی به اطلاعات به واسطه تاثیر بالقوه آنها بر عملکرد اداری و قضایی خود نهادهای قضایی، با هم مرتبط هستند. به عبارت دیگر، اعمال اصلاحات شفافیت توسط قوه‌های قضاییه می‌تواند تاثیر مثبتی بر صلاحیت نهادی آنها، افزایش مشروعیت‌شان، اقتدار آنها نسبت به دیگر بازیگران سیاسی و روابط آنها با شهروندان داشته باشد.

برای مثال، در بسیاری از کشورهای این منطقه، دادگاه‌ها به نظر مردم بسیار گند هستند. با این حال برخی از مطالعات تجربی اخیر نشان می‌دهد که میانگین زمان واقعی برای رسیدگی به پرونده‌ها به آن اندازه که نظرسنجی‌های افکار عمومی نشان می‌دهند، طولانی نیستند. انتشار آمار دادگاه می‌تواند به شهروندان کمک کند درباره عملکرد واقعی دادگاه‌ها بدانند و همزمان فرصتی برای دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی تولید می‌کند که چالش‌ها را تحلیل کنند و پیشنهادی اصلاحی ارائه دهند. در این مورد از طریق بازخورد دسترسی به اطلاعات قضایی، رصد و تحلیل به وسیله جامعه مدنی و پاسخگویی به وسیله نهادهای قضایی یک چرخه فضیلت تولید می‌شود. به نوبه خود، اصلاحات دسترسی به اطلاعات و شفافیت هم مرتبط هستند؛ زیرا می‌توانند به بهبود عملکرد قوه قضاییه کمک کنند و از این رو حکمرانی همه جانبه را تقویت کنند. به عنوان مثال نقش قوه قضاییه در مبارزه با فساد، آن را به عنوان بازیگر کلیدی قرار می‌دهد که می‌تواند به بهبود استفاده از منابع عمومی و کیفیت سیاست‌های عمومی کمک کند و بر روشی که شهروندان نهادهای حکومتی‌شان را می‌پذیرند اثرگذار باشد. همزمان، در کشورهای در حال توسعه، قضات به نحو فزاینده‌ای درگیر مطالبات برای اصلاح یا کاهش نقص‌های دولت،

^۹. Publicity

بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزش، خدمات عمومی و حقوق مسکن برای گروه‌های آسیب‌پذیر هستند. یک قوه قضاییه شفاف‌تر، با مشروعیت بیشتر، موقعیت بهتری برای مداخله در این موارد خواهد داشت. همچنین باید توجه داشت که قوه قضاییه یک بازیگر کلیدی برای تثبیت حاکمیت قانون^۱ است. اهمیت نقش آن در شاخص‌ها و روش‌های مختلفی که برای ارزیابی کیفیت نهادهای عمومی و حکمرانی طراحی شده‌اند، منعکس گردیده است. برای مثال سیستم یکپارچه ملی «شفافیت بین‌المللی»^۲ قوه قضاییه را یکی از ستون‌های آن می‌داند. به همین ترتیب، آسیب‌شناسی‌های متعدد نظام عدالت را به عنوان یک بازیگر مرتبط در زمینه حکمرانی معرفی کرده‌اند. شاخص‌های جهانی حاکمیت، در اندازه‌گیری‌ها برای رتبه «حاکمیت قانون» قوه قضاییه را هم شامل می‌شود. به همین ترتیب در ارزیابی‌های جهانی در مورد کیفیت دموکراسی که توسط سازمان‌هایی نظیر بنیاد برتلسمان^۳ انجام شده، قوه قضاییه نقش دارد. (شاخص دگرگونی برتلسمان)

علاوه بر این، گزارش یکپارچگی جهانی^۴ به طور خاص سطح دسترسی به اطلاعات و شفافیت قوه قضاییه را با استفاده از متغیرهایی مانند انتخاب قضات، توجیه تصمیم‌گیری‌ها، اعلامیه‌های مالی^۴ و دسترسی شهروندان به دادگاه، بررسی می‌کند. این نشان دهنده تمرکز فزاینده بر دسترسی به اطلاعات عمومی و شفافیت در قوه قضاییه در زمینه اصلاحات حکومتی است.

گنجاندن قوه قضاییه هم در ساختار شاخص‌های فوق‌الذکر درباره حاکمیت قانون، کیفیت دموکراسی و شفافیت نهادهای عمومی، و هم در توسعه استدلال‌های نظری درباره بروز رو به رشد آن قوه در نظام‌های دموکراتیک، از نقش مهم آن در ارزیابی حکمرانی حکایت دارد. به نوبه خود، اصولی مانند شفافیت نهادهای قضایی، مشارکت فعال در فرآیندهای آن و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی قوه قضاییه شاخص‌های کلیدی برای ارزیابی حکمرانی دموکراتیک هستند.

^۱ Rule of Law

^۲ Transparency International's National Integrity System

^۳ Bertelsmann Foundation

^۴ Global Integrity

^۴ Financial disclosure statements

باکس ۱: منطقه ای: فهرست دسترسی وب بنیاد به اطلاعات قضایی

از سال ۲۰۰۴، مرکز مطالعات قضایی آمریکا در حال تهیه گزارش سالانه درباره قابلیت دسترسی به اطلاعات قضایی بر روی اینترنت است. هدف از این ابتکار تجزیه و تحلیل پیشرفت، عقب ماندگی و چالش‌های جاری در سیستم‌های قضایی در این کشورهای آمریکای جنوبی در مورد ارائه انواع مختلف اطلاعات از طریق روش‌های الکترونیکی به شهروندان و میزان شفافیت دادگاه‌ها و دفاتر دادستانی بوده است. این فهرست با بررسی ۲۵ شاخص برای ارزیابی قوه قضاییه و ۱۹ شاخص در مورد دادستان‌های عمومی توسعه یافته است. در پروژه این مرکز امکان نظارت بر میزان پیشرفت دسترسی وب بنیاد به اطلاعات ارائه شده به وسیله قوه قضاییه و دفاتر دادستانی عمومی در ۳۴ کشور عضو سازمان کشورهای آمریکایی، همچنین امکان مقایسه تکامل آنها و در بعضی موارد، تحول در سال‌های گذشته فراهم آمده است.

- شاخص‌های مورد بررسی شامل جنبه‌هایی هستند مانند:

- وجود وب سایت

- انتشار و به روزرسانی قوانین و مقررات

- انتشار آمار در مورد پرونده‌های رسیدگی شده و در انتظار رسیدگی

- انتشار دستورالعمل یا دستور جلسه (agenda) دادگاه‌ها

- بودجه، حقوق، پیشینه، دارایی و درآمد و مسائل انضباطی درباره مقامات مربوطه

- انتشار اطلاعات مناقصه و تدارکات برای قراردادهای

- نظام دسترسی و اطلاعات

گزارش سال ۲۰۰۷ کاستاریکا، برزیل، شیلی، کانادا و آرژانتین را در بالای رتبه‌بندی به عنوان کشورهایی که بیشترین اطلاعات را در وب دارند، قرار می‌دهد. در انتهای دیگر بلیز، گواتمالا، سورینام، گویان و هائیتی کشورهایی هستند که در برخی موارد هیچ اطلاعاتی در اینترنت ندارند. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:

www.cejamerica.org

در دهه گذشته، چندین سازمان در آمریکای لاتین موفق به هدایت فرآیندهای اصلاحی شده اند که برای افزایش شفافیت و دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی تلاش می‌کنند. این تلاش‌ها تاثیر بسیار متفاوتی بسته به مورد داشته و عمدتاً بر قوه مجریه بدون در نظر گرفتن سایر بازیگران به همان نسبت مرتبط در نظام سیاسی، تمرکز داشته است. تنها در سال‌های اخیر است که نیاز به گسترش تلاش‌های اصلاحی در زمینه‌های دیگر، نظیر قوه قضاییه و سایر آژانس‌های نظارتی، آشکار شده است.

به طور موازی، قوه‌های قضاییه در این منطقه هدف برنامه‌های اصلاحات متعددی بوده‌اند. از اوایل دهه ۱۹۹۰ موسسات مالی بین‌المللی، به ویژه بانک جهانی و بانک توسعه بین آمریکایی، همچنین چندین سازمان بین‌المللی اهدا کننده از قبیل USAID, GTZ و UNDP چندین خط اعتبار و تسهیلات را برای مدرن سازی سیستم‌های دادگاهی ارائه کرده‌اند. اهداف اصلاحات متنوع بوده است، اما آنها عمدتاً بر بهبود زیرساخت‌ها، اجرای سیستم‌های مدیریت و برنامه‌ریزی، جا دادن فن‌آوری در مدیریت قضایی، معرفی سیستم‌های آموزش قضایی و تقویت دسترسی به عدالت، تمرکز دارند. با این حال اصلاحات مربوط به شفافیت و دسترسی به اطلاعات، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان گفت که کشورهای آمریکای لاتین در زمینه‌های مختلف و با متداول کردن نوآوری‌های مختلف در سیستم قضایی خود پیشرفت کرده‌اند، ولی تنها در موارد انگشت شماری این اصلاحات به منظور مقابله

با تنگنای نهادهای قضایی یا ایجاد ترتیباتی که ممکن است منجر به دسترسی بهتر به اطلاعات قضایی شود، انجام شده است.

در این زمینه ابتکارات یک گروه کوچک از سازمان‌هایی که برای چندین سال یک برنامه شفافیت را برای قوه‌های قضاییه آمریکای لاتین ترویج کرده‌اند، سزاوار به رسمیت شناختن است. برای مثال بنیاد حقوقی دادرسی عادلانه^{۱۵} چندین پروژه تحقیقاتی را در مورد شفافیت، دسترسی به اطلاعات عمومی و مشارکت جامعه مدنی در سیستم‌های قضایی منطقه انجام داده است. به همین ترتیب، مرکز مطالعات قضایی آمریکاکه^{۱۶} یک آژانس بین‌المللی است که در ساختار «سازمان کشورهای آمریکایی»^{۱۷} عمل می‌کند، از مطالعات متعددی با تمرکز بر دسترسی به اطلاعات در ارتباط با سیستم‌های قضایی منطقه، حمایت کرده است. از سال ۲۰۰۴، مرکز مطالعات قضایی آمریکا یک شاخص سالانه دسترسی مبتنی بر وب به اطلاعات قضایی را توسعه داده است و تحقیقات تطبیقی در مورد دسترسی به اطلاعات عمومی در کشورهای منطقه انجام داده است (ارجاع به کادر ۱). در نهایت، سازمان‌های متعددی مانند شورای بریتانیا و دفتر امور خارجه و کشورهای مشترک‌المنافع^{۱۸} پروژه‌های مربوط به شفافیت قضایی و دسترسی به اطلاعات در آمریکای لاتین را تامین مالی کرده‌اند. همه این ابتکارات به توسعه آسیب‌شناسی و شناسایی خط‌مشی‌های کاری احتمالی برای اینکه این موضوع را در دستور کار اصلاحات دولتی در منطقه قرار دهد، کمک کرده است.

این نوع ابتکارات به منظور ایجاد نیاز قوی‌تر به ترویج اصلاحات دسترسی به اطلاعات و شفافیت در قوه قضاییه باید ادامه یابد. فرصت‌های ارزشمندی برای ایجاد این موضوع در دستور کار اصلاحات و مدرنیزاسیون بخش عمومی وجود دارد که توسط سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های همکاری ترویج می‌شود. سرمایه‌گذاری انجام شده تا به امروز توسط برخی اهداکنندگان به علاوه تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی مختلف در منطقه، سناریوی امیدوارکننده‌ای ایجاد کرده است. وقت آن رسیده است که گام بعدی را برداریم و اصلاحات جامع سیاست‌ها را در زمینه شفافیت و دسترسی به اطلاعات قضایی ادامه دهیم.

۳. چالش‌ها در روابط بین قوه قضاییه و جامعه

در آمریکای لاتین شکاف مهمی بین جامعه و قوه قضاییه وجود دارد، این شکاف دلایل متعددی دارد، که می‌توان به فرهنگ پنهان‌کاری و ابهام که ویژگی‌های قوه قضاییه هستند، فقدان دانش عمومی درباره عملکرد سازمان عدالت و دخالت مشخص مقامات سیاسی دیگر در کار قضا و مانند آن اشاره کرد. در نتیجه، شهروندان کشورهای

^{۱۵} The Due Process of Law Foundation (DPLF)

^{۱۶} Center for Justice Studies of the Americas (Centro de Estudios de Justicia de las Américas, CEJA)

^{۱۷} Organization of American States (OAS)

^{۱۸} Foreign and Commonwealth Office (FCO)

منطقه دچار بی‌اعتمادی فزاینده نسبت به کار قوه قضائیه هستند. با توجه به اطلاعات لاتینوبارومتر^{۱۹} سال ۲۰۰۷، تنها ۳۱ درصد از پاسخ‌دهندگان در آمریکای لاتین معتقد بودند که قوه قضائیه در کشورشان «خوب» یا «خیلی خوب» کار کرده است. به نوبه خود، صرفاً ۳۰ درصد اظهار داشتند که آنها به قوه قضائیه بسیار یا تا حدودی اعتماد دارند، در حالی که ۷۵ درصد از مردم معتقدند دسترسی به عدالت نابرابر است. این امر با این حقیقت ترکیب شده که اکثریت کشورهای آمریکای لاتین در نظرسنجی فساد اداری که توسط سازمان شفافیت بین‌المللی^{۲۰} بطور سالانه انجام می‌شود، عملکرد ضعیفی دارند. به عبارت دیگر، عملکرد ضعیف قوه قضائیه به معضل فساد رایج در ادارات دولتی، افزوده شده و موجب افزایش عدم اعتماد شهروندان نسبت به ظرفیت واقعی دولت برای اجرای قوانین و کیفر جرم، شده است.

اطلاعاتی که شهروندان درباره عملکرد دادگاه‌ها دریافت می‌کنند، دو ایراد دارد: کیفیت پایین و -در برخی موارد- پیچیدگی بالا. این وضعیت که به تعمیق شکاف موجود میان نهادهای قضایی و جامعه کمک می‌کند، به وسیله دو فاکتور کلیدی ایجاد می‌شود. از یک طرف کمبود شدیدی در رسانه‌ها به لحاظ ظرفیت آنها برای گزارش آنچه در سیستم قضایی جریان دارد، وجود دارد. در بسیاری از موارد، روزنامه‌نگاران و سردبیران آموزش کافی برای پوشش دادن فعالیت دادگاه‌ها و - حتی یک مساله پیچیده‌تر - برای توضیح مسائل حقوقی به روش قابل فهم و ساده به جامعه را ندیده‌اند. از سوی دیگر، دادگاه‌ها برای اطلاع‌رسانی پرونده‌هایی که به نحو مناسب حل و فصل می‌کنند، تلاش کمتری دارند. این ناشی از میراث فرهنگی سیستم‌های دادگاهی آمریکای لاتین است که به لحاظ تاریخی ارائه توضیح درباره احکامشان یا مصاحبه کردن با روزنامه‌نگاران را شایسته نمی‌دانند. این ضرب‌المثل قضایی قدیمی که " قضاات سخن می‌گویند ولی از طریق احکامشان!"^{۲۱} بازتاب واقعی وضعیت غالب است. در مواجهه با این آسیب، سازمان‌های مردم‌نهاد منطقه، برخی از ابتکارات نوین را برای حل این مشکل، توسعه داده‌اند.

در این زمینه، با پیاده‌سازی اصلاحات شفافیت و دسترسی به اطلاعات تلاش می‌شود تا به رفع عدم اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و ترویج نزدیکی بیشتر بین شهروندان و سیستم عدالت کمک شود. به عنوان مثال برگزاری دادرسی‌های عمومی^{۲۲} برای جلسات رسیدگی دیوان عالی یا تصویب سیاست‌های ارتباطی - چه توسط رسانه‌ها و جامعه مدنی انجام شود یا قوه قضائیه - برای انتشار و توضیح تصمیمات دادگاه، اقدامات امیدوارکننده بالقوه‌ای برای ایجاد پیوندها و اعتماد هستند. به همین ترتیب ابتکارات در جهت بهبود دسترسی به اطلاعات قضایی که به خود قضاات (اعلامیه‌های دارایی و درآمد) و به فعالیت دادگاه‌ها (آمار قضایی، اطلاعات بودجه، اطلاعات تدارکات) مربوط می‌شود، در صدد است که به همین موضوع کمک کند.

این سازمان یک مطالعه افکار عمومی است که سالیانه با ۲۰ هزار نفر در ۱۸ کشور آمریکای لاتین به نمایندگی از جمعیتی معادل Latinobarómetro^{۱۹} بیش از ۶۰۰ میلیون نفر ساکنان آن کشورها مصاحبه می‌کند. این سمن غیرانتفاعی در سانتیاگو شیلی مستقر است و به تولید و انتشار داده اشتغال دارد.

^{۲۰} Transparency International

^{۲۱} "judges speak but through their sentences"

^{۲۲} Public hearings

۴. عناصر چارچوب مفهومی: دسترسی به اطلاعات و شفافیت

پیش از ورود به تحلیل ارتباط بین شفافیت و استقلال دادگاه از یک سو و دسترسی به اطلاعات و قوه قضائیه از سوی دیگر، لازم است یک توضیح مفهومی از اصطلاحات «شفافیت» و «دسترسی به اطلاعات عمومی» ارائه شود. شفافیت یک ارزش اساسی برای دموکراسی‌های مدرن است. مفهوم شفافیت در حقیقت به عنوان سازوکاری عمل می‌کند که باید نتیجه چنان شیوه حکمرانی، اداره و مدیریت دولت باشد که اجازه می‌دهد شهروندان در امور عمومی کنترل و مشارکت داشته باشند. در عمل شفافیت باید شامل درخواست‌هایی برای دسترسی به اطلاعات عمومی (به معنای دقیق کلمه)، تعهد دولت به تولید اطلاعات و در دسترس قرار دادن آن برای شهروندان به شیوه‌هایی که دسترسی گسترده را اجازه می‌دهد (شفافیت فعالانه) و توانمندسازی شهروندان برای مطالبه ایفای تعهدات دولت در این خصوص، شود.

در این زمینه، اگر چه دسترسی به اطلاعات عمومی – که به عنوان حق شهروندان برای درخواست اطلاعات (و تعهد متناظر دولت برای ارائه آن) تعریف می‌شود- عنصری ضروری در سیاست شفافیت است، ولی تنها یکی از مولفه‌های این مفهوم است. مفهوم دیگری که اغلب در این سند استفاده شده و عنصر دیگری در سیاست شفافیت است، عمومی‌سازی است. عمومی‌سازی باید به عنوان آشکارسازی‌های مختلف یک سیاست فعالانه شناخته شود، که به موجب آن اطلاعات مرتبط برای عموم دسترس‌پذیر می‌شود.

۴-۱. شفافیت و استقلال قضایی

اصلاحات شفافیت در نهادهای قضایی می‌تواند به ایجاد شرایط برای استقلال قضایی بیشتر و مانند آن، کمک کند. برای مثال عملکرد باز سیستم‌های قضایی، جریان فزاینده اطلاعات از قوه قضائیه به جامعه را تولید می‌کند که عموم را قادر به آموختن درباره عملکرد آن، درگیر شدن در فرآیندها و بحث‌های مرتبط با پرونده‌های واردات مهم سازمانی^{۳۳} و حتی شرکت از طرق مختلف (مانند دادرسی‌های عمومی، فرآیندهای مشاوره و غیره) می‌سازد. بنابراین رفع حجاب ایهام که اغلب، فعالیت دادگاه را می‌پوشاند، همراه با علاقه اجتماعی بیشتر به عملکرد سیستم قضایی، اثر مثبت مضاعفی را ایجاد می‌کند. از یک طرف، شفافیت بیشتر و جریان فزاینده اطلاعات، حواشی تشخیص صلاح‌دید^{۳۴} و خودسری در رفتار سیستم قضایی و گروه‌های ذی‌نفع را می‌زداید. از سوی دیگر منجر به ایجاد گروه‌هایی از شهروندان در رابطه با عملکرد قوه قضائیه می‌شود که در حمایت از کار آن قوه مداخله می‌کنند (حوزه‌های انتخاباتی قضات). بنابراین قضات در جامعه منبع مشروعیتی می‌یابند که اقتدار بیشتری به آنان اعطا می‌کند تا تصمیماتی که می‌تواند تاثیرات سازمانی والایی داشته باشد یا علیه اولویت گروه‌های قدرتمند ذی‌نفع باشد، بگیرند.

آمار لاتینو بارومترو که قبلاً به آن اشاره شد، سطح پایین اعتماد به دادگاه‌ها را به نظر مردم در آمریکای لاتین نشان می‌دهد. به لحاظ تاریخی، قوه‌های قضائیه آمریکای لاتین هدف نفوذ و فشار قوه مجریه، احزاب سیاسی و

^{۳۳} Great institutional import:

^{۳۴} Discretionality

سایر بازیگران قدرتمند بوده‌اند. ضمناً، وقفه‌های مکرر در دموکراسی از طریق پاکسازی، اخراج دسته جمعی، یا اعلام جرم، موجب افزایش تغییرات دائمی در ترکیب دادگاه‌ها شده، که اعتبار و مشروعیت نهادهای قضایی را تخریب کرده است.

موج دموکراسی‌خواهی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تغییری را برای این منطقه به ارمغان آورد. قوه‌های قضاییه به آرامی شماری از اصلاحات طراحی شده برای بهبود عملکرد خود را آغاز کردند، هم زمان دولت و جامعه مدنی تغییراتی را برای بهینه‌سازی روابط خود با موسسات نظام سیاسی ترویج کردند. در پرتو این امر، در یک نظام دموکراتیک برای قضات حفظ استقلال‌شان از سایر بخش‌های حکومت، برای انجام وظایف‌شان بدون هیچ گونه دخالتی، ضروری است. اقدامات برای اطمینان از چنین استقلالی باید از مراحل اولیه عملکرد قضایی ترویج یابد، که با فرآیند انتخاب و انتصاب قضات، آغاز می‌شود، فرآیندی که عموماً تحت فشار و نفوذ گروه‌های ذی‌نفع علی‌الخصوص احزاب سیاسی قرار می‌گیرد. به همین ترتیب، به جهت تضمین استقلال، مهم است که در طی اجرای عملکرد قضایی به‌ویژه در زمانی که مداخله گسترده‌تر قدرت‌های سیاسی بیشتر احساس می‌شود؛ تعیین ترفیع‌ها، پرداخت‌ها و جبران خسارت، انتصاب مراجع دادگاه و غیره مورد توجه قرار گیرد.

با این حال، مهم است که روشن شود که استقلال قضایی نباید به عنوان یک ارزش فی‌نفسه تلقی شود، که مانع نظارت کافی بر عملکرد قضات گردد. استقلال نباید معادل جداسازی یا عدم وجود وظیفه ارزیابی کار قضایی که انجام می‌شود، قرار گیرد. بر عکس مفهوم استقلال باید به عنوان پیش‌شرط بی‌طرفی در رفتار قضایی و به عنوان تضمین خدمات بهتر برای عموم تلقی گردد. قضات نباید از کنترل‌هایی که بر سایر نهادهای دولتی اعمال می‌شود، معاف شوند. چنین استقلالی مستلزم مسئولیتی است که اتخاذ سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی را به منظور تضمین اینکه قضات پاسخگوی تصمیمات خود و/یا استفاده مناسب از منابع اختصاص یافته به آنها هستند، مطالبه می‌کند. بنابراین، نقطه شروع برای پاسخگویی،^{۲۵} مسئولیت‌پذیری^{۲۶} بخشی از مقامات بر اساس اطلاعات و توجیه تصمیمات آنها (پاسخگویی)^{۲۷} است، حتی بیشتر مفهوم ممنوعیت رفتار نامناسب مقامات عمومی را می‌رساند (اجرا).

چنین ترتیبی نه تنها برای ارزیابی قضات، کنترل قوه قضائیه، تشخیص خطاها و ایجاد پاسخگویی مفید است، بلکه قوه قضائیه را نیز تقویت، مشروعیت آن را تضمین و اعتماد شهروندان را به میزان زیادی تضمین می‌کند. به همین دلیل درک شفافیت قضایی به عنوان **بازکردن فعالانه**^{۲۸} که نه تنها شامل امکان دسترسی به اطلاعات است بلکه همچنین شامل پخش و انتشار اطلاعات مرتبط با اجرای وظایف قضات نیز می‌شود، اهمیت دارد.

^{۲۵} Accountability

^{۲۶} Responsibility

^{۲۷} Answerability

^{۲۸} Proactive opening

علاوه بر این، سیاست‌های شفافیت تاثیر مثبتی بر دسترسی شهروندان به عدالت دارند. برای مثال اجرای سیاست دسترسی به اطلاعات عمومی، موجب می‌شود دسترسی به دستگاه عدالت برای شهروندان بیشتر شود. این امر علاوه بر افزایش مشروعیت دادگاه‌ها نزد شهروندان، اثربخشی مداخله قضایی را بهبود می‌بخشد.

۴-۲. دسترسی به اطلاعات عمومی در قوه قضاییه

حق دسترسی به اطلاعات عمومی به ابزاری کلیدی، البته نه منحصر به فرد، برای تقویت شفافیت در فعالیت‌های دولت، ترویج پاسخگویی و مبارزه با فساد بدل شده است. همچنین ابزار ارزشمندی است که امکان مداخله گسترده‌تر شهروندان در مدیریت امور عمومی را فراهم می‌سازد. این حق از نظام حکومتی جمهوری نشأت می‌گیرد و اعمال آن ابزار ضروری برای تقویت نهادها است؛ زیرا داشتن اطلاعات کافی و به‌موقع، عنصر کلیدی در نظارت بر مقاماتی است که حکومت از جانب مردم به آنها سپرده شده است.

در یک جامعه دموکراتیک، دستگاه قضایی نمی‌تواند از بسترهای سیاسی و اجتماعی جدا شود و عاملان آن بدون ترتیبات موثر برای عمومی‌سازی هر دو عملکرد اداری و قضایی، نمی‌توانند در این بسترها عمل می‌کنند یا قرار می‌گیرند. به این معنا، اکثر اطلاعات تولید شده توسط قوه قضاییه، مانند آنچه توسط سایر قوای حکومتی ایجاد می‌شود، می‌تواند توسط هر شخصی که حق دسترسی آزادانه به اطلاعات عمومی و کنترل اعمال قدرت‌های عمومی در اجرای عملکردشان را دارد، درخواست شود.

با توجه به این قوه قضاییه باید عملکردش را در جهت تقویت حق داشتن اطلاعات عمومی و شفافیت، وفق دهد، به‌ویژه با توجه به تصویر منفی که شهروندان از قوه قضاییه دارند، این تصویر منفی ناشی از احساس تعمیم‌یافته‌ای است که دادگاه‌ها را به فساد، جانبداری سیاسی و ناکارآمدی پیوند می‌دهد، احساسی که تا حدودی به واسطه‌ی عدم شفافیت قضایی افزایش یافته است.

از این رو اتخاذ سیاست‌هایی که دسترسی به اطلاعات را تضمین می‌کنند با هدف در بر گرفتن مباحثی در باب قوه قضاییه در زمینه‌ای گسترده‌تر، با ارائه‌ی اطلاعاتی که جامعه را قادر می‌سازد عملکرد، چالش‌ها و محدودیت‌های قوه قضاییه را درک کند نه تنها می‌تواند ابزار مهمی برای بهبود نظارت و مبارزه با فساد در دادگاه‌ها باشد، بلکه می‌تواند به باز شدن قوه قضاییه برای شهروندان کمک کند. علاوه بر این مشارکت فعال شهروندان در جنبه‌های مهم کارهای سیستم قضایی بطور بالقوه می‌تواند به بهبود کارآمدی نهادهای قضایی کمک کند. از این رو سهم یک سیاست شفافیت و دسترسی به اطلاعات عمومی از لحاظ سطح اعتماد و مشروعیت قضات و سایر کسانی که در نظام قضایی فعالیت می‌کنند، در چشم جامعه، اساسی است.

برای نتیجه‌گیری، باید توجه داشت که حق دسترسی به اطلاعات عمومی، بسان سایر حق‌ها، مطلق نیست. محدودیت‌های آن معمولاً با دو نوع معافیت تعیین می‌شود: گروه نخست مربوط به مواردی است که انتشار اطلاعات عمومی می‌تواند به منافع عمومی که از حمایت قانون برخوردارند، مانند امنیت عمومی صدمه بزند و نوع دوم معافیت به وسیله نیاز به حمایت از حریم خصوصی افراد توجیه می‌شود. هر گروه از معافیت‌ها بر یک مبنای متفاوت استوار است و بر ارزشیابی‌های متفاوت با توجه به کاربردشان در موارد خاص دلالت دارد.

اما فراتر از هر محدودیتی که ممکن است ایجاد شود، این مهم است که آنها پارامترهای خاصی را برآورده کنند در یک مطالعه خاص در باب دسترسی به اطلاعات گزارشگر آزادی بیان کمیسیون حقوق بشر آمریکایی دریافت که محدودیت‌های این حق باید شرایط خاصی داشته باشد. نخست، باید توسط قانون ایجاد شوند. دوم، آنها باید به صورت موقت، معقول و متناسب ایجاد شوند. سرانجام، هدف نهایی محدودیت‌ها باید مشروع باشد.

حق دسترسی به اطلاعات عمومی نیز توسط دادگاه آمریکایی حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر به رسمیت شناخته شده است؛ این دادگاه نخستین دادگاه بین‌المللی بود که چنین اقدامی انجام داد. در پرونده کلود ریس^۹ این دادگاه حکم کرد که هر گونه محدودیت دسترسی به اطلاعات باید بر اساس یک مصلحت عمومی ضروری توجیه شود و اگر گزینه‌های متعددی برای دستیابی به این هدف وجود داشته باشد، گزینه‌ای که حداقل محدودیت‌ها را بر محافظت از این حق تحمیل می‌کند، باید انتخاب شود. بنابراین باید اصل افشای حداکثری بر مراجع دولتی حاکم باشد؛ بر اساس آن فرض می‌شود که تمام اطلاعات باید در دسترس باشند که فقط به وسیله یک سیستم محدودشده‌ی معافیت‌ها، محدود شده باشد. در این موارد دولت موظف به اثبات مشروعیت این محدودیت است.

۵. دسترسی به اطلاعات و شفافیت، اقدامات مرتبط با فعالیت داخلی و جنبه‌های اداری قوه قضاییه

در این بخش دسته‌بندی‌های اطلاعات و ابزارها (مانند قوانین، دارایی‌ها و اعلامیه‌های درآمد، سایت‌های اینترنتی، پورتال‌های خرید و غیره) مربوط به عملیات اداری قوه قضاییه، با استفاده از تجربه چندین کشور آمریکای لاتین به عنوان پایه بررسی خواهد شد.

اطلاعات راجع به عملیات اداری یک سیستم قضایی، آن اطلاعاتی است که با کار داخلی آژانس‌های مختلف داخل آن سیستم مرتبط باشد. این اطلاعات باید بسیار عمومی باشند، با معافیت‌های محدودی که عموماً برای تضمین حفاظت از داده‌های حساسی که انتشار آنها می‌تواند بر حق بر حریم خصوصی تاثیرگذار باشد، ایجاد شده باشد. روش‌ها و تجربیات شرح داده شده در زیر بر این موارد تمرکز دارد: اطلاعات درباره مدیریت بودجه عمومی قوه قضاییه؛ اطلاعات در مورد انتصاب قضات و سایر مقامات؛ اطلاعات درباره اعلامیه دارایی و درآمد؛ اطلاعات مربوط به جلسات برگزار شده توسط مقامات ارشد و دسترسی به آمار.

۵-۱. اطلاعات در مورد مدیریت بودجه عمومی (بودجه‌ها، هزینه‌ها و تدارکات)

در آمریکای لاتین، قوه قضاییه به طور سنتی در برابر انتشار اطلاعات مربوط به مدیریت بودجه، تدارکات و خریدها و منابع انسانی (برای مثال لیست کارکنان) یا برخی از معاملات خرید که آنها در حین انجام وظایف اداری خود انجام می‌دهند، مخالفت وجود داشته یا در بهترین حالت به اندازه کافی مهم نبوده است. در برخی موارد، این وضعیت به ایجاد تصور فقدان شفافیت در میان کاربران و شهروندان کمک کرده است. مانند سایر نهادهای دولتی، عدم عمومی‌سازی و شفافیت در تدارکات، فاکتورهایی هستند که به همراه دیگر عوامل، فضا را برای تشخیص

^۹ Claude Reyes

صلاح‌دیدگی و بی‌نظمی در مدیریت بودجه عمومی ایجاد می‌کند و فرصت‌های فساد را افزایش می‌دهد. در موارد دیگر عدم عمومی‌سازی در مورد استخدام پرسنل و فهرست کارکنان موجود، استخدام بستگان قضات و مقامات را امکان‌پذیر می‌سازد و در نتیجه تصور فامیل بازی^۲ و تفسیر به نفس بیش از حد را به وجود می‌آورد. الزامات شفافیت و درستکاری^۳ گه برای مدیریت اداری هر آژانس دولتی دیگر اعمال می‌شود، باید برای کار اداری و مدیریت قوه قضاییه به همان اندازه معتبر باشد و به این ترتیب امکان دسترسی به اطلاعات عمومی در باب بودجه، تدارکات و هزینه‌ها می‌تواند امکان کنترل کارآیی مدیریت آن را فراهم سازد.

باکس ۲. شیلی: قانون تدارکات عمومی (Public Procurement Law)

قانون تدارکات عمومی شیلی (قانون ۱۹,۸۸۶) در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. این قانون شامل سه قوه حکومت می‌شود و ممکن است برای اجرای اقدامات حمایتی، پیاده‌سازی کارها، امتیازات کارهای عمومی، قرارداد مطالعه و خدمات مشاوره و رایزنی و مانند آن اعمال شود.

علاوه بر این، این قانون اداره تدارکات عمومی را برای مدیریت سیستم تدارکات الکترونیکی شیلی «ChileCompra» (www.chilecompra.cl) تنظیم می‌کند. تمام ادارات دولتی (از جمله قوه قضاییه) موظف به انتشار اطلاعیه‌های مربوط به سفارش‌های خرید و قراردادهای خدمات در این پورتال هستند. به همین ترتیب از آوریل ۲۰۰۷ تمامی پرونده‌های مناقصه مربوط به قوه قضاییه بر روی این سایت منتشر و به روز رسانی شده است: www.poderjudicial.cl. سرانجام این قانون، تعارض منافع در تدارکات حکومتی را تنظیم می‌کند که مستلزم آن است که مقامات شرکت کننده در این سیستم اعلامیه دارایی و درآمد و منافع خود را ثبت کنند.

اگرچه اطلاعات بودجه حداقل تا حدودی افشا می‌شود؛ زیرا بودجه با استفاده از قانونی تصویب می‌شود که حداقل در روزنامه رسمی منتشر می‌شود، همچنین در اختیار بودن اطلاعات اجرای بودجه از طریق دسترسی به رسیدهای تدارکات، که عموماً به‌ندرت در دسترس هستند، اهمیت دارد. بنابراین برای شفافیت مهم است که در هر چهار مرحله بودجه‌نویسی – فرمول‌بندی، تصویب، اجرا و ارزیابی، ارتقاء یابد.

^۲: Nepotism

^۳: Probity

باکس ۳. گواتمالا: اطاعات درباره فرآیندهای تدارکات

سازمان قضایی گواتمالا اطلاعات مربوط به فرآیندهای تدارکات را بر وب سایتش (www.oj.gob.gt) منتشر می کند. این اطلاعات شامل اطلاعات بروز شده در مورد خرید مستقیم، مزایده های عمومی، مناقصه های رقابتی و بیانیه های منافع است. به همین ترتیب سایت www.guatecompras.gt آمار را با تعداد معاملات انجام شده در قوه قضاییه در چهار سال گذشته نمایش می دهد. این آمار به مناقصه های فعلی، مناقصه های در فرآیند ارزیابی، مناقصه های اعطا شده، فسخ شده و متروک اعلام شده تقسیم بندی شده اند. همچنین اطلاعات در مورد محدود کردن تامین کنندگان و شکایات از کاربران سیستم تدارکات وجود دارد. سرانجام، وب سایت به کاربران اجازه می دهد تا در یک بولتن که خرید عمومی قوه قضاییه در آن گزارش می شود، مشترک شوند.

شفافیت فرآیندهای تدارکات و بستن قرارداد برای پیشگیری از رویه های فاسد بسیار مهم است. فساد صرفاً محدود به وقایعی چون رشوه خواری^{۳۲} یا اعمال نفوذ غیرقانونی^{۳۳} در متن حکم یک دادگاه نیست؛ زیرا دستکاری منابع مالی دادگاه، فامیل بازی در استخدام کارمندان و بی قاعدگی ها در خرید کالاها و خدمات هم از جمله نمونه های دیگر فساد هستند.

بنابراین اساسی است که این نوع از اطلاعات به طور مرتب به روز شده و به راحتی در دسترس باشد. برای مثال در برخی از کشورها این اطلاعات در وب سایت قوه قضاییه منتشر می شود، در حالی که در برخی دیگر در وبسایتی منتشر می شود که به طور ویژه برای ایجاد فرصت های عمومی برای خرید و بستن قرارداد با قوای مختلف حکومت ایجاد شده است. فراتر از سازوکارهایی که برای کارآمد ساختن حق دسترسی به این نوع اطلاعات (نظیر پورتال های

^{۳۲} Bribery

^{۳۳} Undue interference

الکترونیکی یا بولتن‌های اطلاعاتی) استفاده می‌شود، آنچه مهم است آن است که این اطلاعات با فرمت قابل دسترس و با سطح پایینی از پیچیدگی در اختیار عموم مردم قرار گیرد.

باکس ۴. مکزیک اطلاعات بودجه

طبق ماده ۷ قانون شفافیت فدرال و دسترسی به اطلاعات عمومی حکومتی*، دادگاه عالی مکزیک در بخش «شفافیت» از وبسایت خود، تمام اطلاعات مربوط به اجرای بودجه در پنج سال گذشته را منتشر می‌کند. این اطلاعات شامل اطلاعات مربوط به تخصیص بودجه، افزایش و کاهش، بخشی از بودجه که اجرا شده است و آن بخشی که هنوز در حال اجرا است، می‌باشد. این اطلاعات با توجه به آیتم‌های مختلف بودجه که این بخش‌ها را تشکیل می‌دهد، تقسیم می‌شود: خدمات شخصی، مواد و لوازم؛ خدمات عمومی؛ دارایی‌های ثابت و غیرمنقول (۱)؛ کارهای ساختمانی عمومی (۲)؛ سرمایه‌گذاری‌های مالی؛ کمک‌های بلاعوض (۳)؛ حقوق و مزایای بازنشستگی؛ و سایر هزینه‌ها. بنگرید به:

www.scjn.gob.mx/PortalSCJN/Transparencia

* ماده ۷: «نهادهای مشمول این قانون باید اطلاعاتی از جمله اطلاعات مربوط به بودجه اختصاص داده شده، همچنین گزارش‌های مربوط به اجرای آن، مطابق شرایطی که توسط بودجه ملی تعیین شده است، به استثنای اطلاعاتی که به وسیله این قانون محافظت شده یا محرمانه تلقی شده‌اند، مطابق با مقررات و دستورالعمل‌های صادر شده از سازمان یا نمونه معادل آن که ماده ۶۱ بدان اشاره دارد، در دسترس عمومی قرار دهند و به روز کنند. در مورد دولت فدرال، اطلاعات بیان شده بسته به هر آژانس و نهاد، اطلاعات مربوط به وضعیت اقتصادی، امور مالی عمومی و بدهی‌های عمومی مطابق با شرایط مندرج در بودجه به وسیله دبیرخانه اعتبارات مالی و عمومی ارائه می‌شود.»

(۱) fixed and real assets

(۲) public works

(۳) grants

۵-۲. اطلاعات درباره انتصاب قضات و مقامات رسمی

فرآیندهای به کار رفته برای انتصاب قضات از مدت‌ها پیش به عنوان یک بخش مشخص در رابطه بین علم سیاست و قوه قضاییه شناخته شده است. مداخله رو به رشد بازیگران سیاسی و استفاده از معیار آشکارا ذهنی برای انتخاب نامزدها برای پوشش خدمات قضایی باعث افزایش تصور عدم استقلال دادگاه در میان شهروندان شده است. در بهترین حالت این احساس وجود دارد که بسیاری از قضات در معرض اعمال فشار یا درخواست نامتناسب از سوی کسانی هستند که از آنها در مراحل انتصاب محترمانه‌شان پشتیبانی کرده‌اند.

در این بستر، تدابیر انتصاب قضات به طور جدی به اصل استقلال قضایی مرتبط است. استفاده از فرآیندهای شفاف و باز به حفظ قضات از اعمال نفوذهای خارجی که ممکن است به وسیله سایر قوای حکومت یا گروه‌های ذی‌نفوذ مختلف به کار گرفته شود، کمک می‌کند. به همین ترتیب شفافیت در گزینش نامزدهایی که با الزامات و صلاحیت‌های حرفه‌ای، تجربه فنی و تعهد به حمایت از ارزش‌های دموکراتیک و حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطابقت دارند، کمک می‌کند.

با وجود اینکه سازوکارهای یکسانی برای گزینش قضات وجود ندارد، تجربه تطبیقی نشان می‌دهد که افزایش شفافیت در فرآیندها، احتمال مشارکت شهروندان و تدارک مجموعه مشخصات (پرو فایل) برای تصدی این موقعیت، عناصر کلیدی هستند که استقلال قضایی را تقویت می‌کنند.

مهم است که این انتصابات بر اساس شایستگی، نتیجه رقابت عمومی و الزامات مربوط به صلاحیت‌های فنی باشد. معیار گزینش باید روشن و به طور گسترده اعلان شود، به طوری که درک درستی از استانداردهای گزینش و مشخصات مورد نیاز قضات، وجود داشته باشد. نمرات باید مطابق دستورالعمل‌های ارزیابی عینی اختصاص یابد. علاوه بر این، مهم است که فرآیند انتصاب در تمام مراحل، از تماس دعوت با نامزدها تا گزینش نهایی آنها به طور گسترده پخش شود و فناوری جدید باید مورد استفاده قرار گیرد تا دسترسی فوری و رایگان به اطلاعات درباره این فرآیند فراهم شود. علاوه بر این انتشار لیست متقاضیان و سوابق آنها (از طریق رسانه، روزنامه رسمی و اینترنت) باید گسترده باشد.

سرانجام برای این فرآیندها اساسی است که جهت مشارکت گروه‌های جامعه مدنی از جمله انجمن‌های حرفه‌ای مربوط به فعالیت‌های قضایی، باز باشد به گونه‌ای که آنها بتوانند نظرات خود را درباره کاندیداها ارائه دهند. مداخله گسترده‌تر جامعه مدنی در روند انتصاب قضات، بررسی دقیق توسط شهروندان را امکان‌پذیر می‌سازد.

باکس ۵. آرژانتین: شفافیت و مشارکت در ترتیبات انتصاب قضات

در سال ۲۰۰۲ در میان بحران سازمانی عمیق در آرژانتین دیوان عالی عدالت -هم به وسیله کنشگران سیاسی و هم شهروندان- به علت عملکرد بی قاعده آن در دهه گذشته در زمان ریاست رئیس جمهور کارلوس مینم به شدت زیر سوال رفت. در آن زمان، این دادگاه با افزایش شمار قضات از ۵ نفر به ۹ نفر گسترش یافته بود (لازم به ذکر است که ماده ۹۹ قانون اساسی آرژانتین اختیار انتصاب اعضای دیوان عالی کشور را به رئیس جمهور اعطا می‌کند).

اندکی پس از اتمام دوره مدیریت سابق در سال ۲۰۰۳، رئیس جمهور نستور کیرشنر از کنگره درخواست کرد که رئیس دیوان عالی و چندین عضو آن را متهم کند. در عین حال، او از طریق فرمان ۲۲۲/۰۳ مجموعه‌ای از اقدامات انجام داد که قدرت وی را برای انتصاب قضات جدید دیوان عالی کشور محدود کرد. اصلاحات انجام شده توسط رئیس جمهور کیرشنر را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: نخست، او اختیار صلاح‌دیدی خود را در گزینش نامزدها برای پر کردن جاهای خالی در این دادگاه محدود کرد؛ تنوع در جنسیت، تخصص و وابستگی منطقه‌ای را مقرر کرد و رعایت دستورالعمل‌های عینی مربوط به صلاحیت را برای نامزدها الزامی کرد. ثانیاً او مجموعه‌ای از الزامات مربوط به نامزدی را تعریف کرد، مانند: الف) ایجاد محدودیت زمانی برای پر کردن پست خالی در دادگاه؛ ب) تعهد به افشای عمومی سوابق نامزدها و ج) بررسی اخلاقی گسترده‌تر نامزدها (الزام به اعلامیه مالی، سوابق حرفه‌ای، تجاری و مالیاتی). نهایتاً فرصتی برای مشارکت ایجاد شد که به شهروندان اجازه می‌دادند نظرات خود را در مورد نامزدهای پیشنهادی ارائه دهند.

متعاقباً فرمان شماره ۵۸۸/۰۳ اعمال قوانین فوق برای انتصابات دادستان عمومی کل و مدافع عمومی ملی (آمبودزمان) و برای انتصاب قضات برای ریاست دادگاه‌های فدرال پایین‌تر گسترش داد.

در راستای اصلاحات انجام شده توسط قوه مجریه، مجلس سنا قوانین خود را اصلاح کرد تا فرآیندی را که به موجب آن انتصاب قضات را تایید می‌کند، بهبود بخشد. به طور عمده، آنها تصویب کردند که الف) جلسات رسیدگی در طول این فرآیندها باید با مشارکت عمومی برگزار شود؛ ب) مشارکت جامعه مدنی در این فرایندها باید ارتقا یابد؛ ج) پس از اتمام جلسات، کمیته انتصابات باید اعلام نظر کند و د) تصمیمات فردی سناتورها از طریق رای اسمی (nominal voting) افشا می‌شود.

اجرای این تغییرات در انتصاب قضات جدید تاثیر عمده‌ای داشت که بیشتر در مورد دیوان عالی کشور مشهود بود. این امر به بهبود تصویر این دادگاه در برابر جامعه منجر شد، که مشروعیت بیشتری را که از اجماع روی نامزدهای منصوب ناشی می‌شود، به آنها اعطا کرد. علاوه بر این، این تغییرات به تقویت قدرت نهادی این دادگاه منجر شد، که به اعضای خود اقتدار و استقلال بیشتری اعطا کرد. این در تصمیماتی منعکس شده بود که اغلب با منافع قوه مجریه در تناقض بود؛ زمانی که دیوان به وسیله قضات منصوب شده به روش قبلی تشکیل می‌شد، گرایش کلی توافق با قوه مجریه در بدنه آن شکل گرفته بود، که نقض شد.

در نهایت، می‌توان خاطر نشان کرد که چندین ایالت این اصلاحات را انعکاس دادند و با تغییر کمتر یا بیشتر تکامل نظام عدالت ملی‌شان، آیین دادرسی خود را برای انتصاب قضات در دادگاه‌های عالی‌ترشان اصلاح کردند.

اگر چه این دستورالعمل‌ها نمی‌تواند به طور کامل استقلال دادگاه‌ها را تضمین کنند یا اقدامات فاسد را از بین ببرند اما به طور جزئی سیاسی شدن انتصابات همچنین به همکاری پذیرفته شدن قوه قضاییه به وسیله سایر قوای

باکس ۶. کلمبیا: مشارکت در انتصاب قضات دادگاه قانون اساسی

دادگاه قانون اساسی دادگاه حقوق اساسی ارشد در کلمبیا است. این دادگاه ۹ عضو دارد که برای ۸ سال خدمت می‌کنند و نمی‌توانند دوباره انتخاب شوند. در اوایل ۲۰۰۹، ۶ تن از قضات کنونی مدت‌شان به پایان رسید. هر یک از ۶ عضو به وسیله مجلس سنای ملی از یک لیست سه نامزدی که توسط رییس جمهور کلمبیا، دیوان عالی کشور و شورای دولتی تایید شده بود، انتخاب می‌شدند.

با توجه به تأثیری که دادگاه قانون اساسی در سال‌های اخیر داشته است، گروهی از سازمان‌های خصوصی کلمبیا انتخابات قابل مشاهده (Visible Election) را به عنوان یک ائتلاف نظارت شهروندان برای فراهم ساختن رصد و نظارت اجتماعی بر فرآیند گزینش قضات جدید به وجود آوردند.

هدف اصلی آنها این مطالبه از نامزدها و انتخاب کنندگان بود که ۱۸ نامزدی که از ۶ عضو سه‌گانه تشکیل می‌شوند، دارای بهترین خصوصیات، درستکاری و استقلال در انجام قضاوت باشند؛ که توافقات سیاسی در انتخاب آنها هیچ نقشی نداشته باشد؛ که هیچ نامزد صوری وجود نداشته باشد و تمامی آنها بهترین نامزدهای ممکن برای پُر کردن موقعیتشان باشند. با استفاده از منابع پویا در وبسایت خود، این ائتلاف اطلاعات درباره فرآیند انتخاب قضات، اهمیت دادگاه قانون اساسی و مشخصات و سوابق نامزدهای جدید و مانند آن را به شهروندان ارائه می‌کند.

انتخابات قابل مشاهده در هر دو مرحله شناسایی و نامزد شدن نامزدها توسط رییس جمهور، دیوان عالی و شورای دولتی و همچنین در مرحله انتخاب نامزدها توسط مجلس سنا نقش ایفا خواهد کرد. در چارچوب این پروژه، امضای «معاهدات اخلاقی» با آژانس‌های نامزدکننده ترویج شده است تا شفافیت در فرآیند نامزدی نامزدها تضمین و امکان مشارکت جامعه فراهم شود. برای مثال دیوان عالی موافقت کرد تا ابزارهای شفافیت پیشنهاد شده توسط ائتلاف را اتخاذ کند.

برای کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به : www.eleccionvisible.com

حکومت را کاهش می‌دهد. استعمال این دستورالعمل‌ها شفافیت بیشتری در فرآیندهای انتصاب به وجود می‌آورد. بنابراین در نتیجه مشارکت عمومی، اجماع اجتماعی و بررسی صلاحیت‌ها، قضات جدید با مشروعیت بیشتری برای انجام وظایفشان منصوب می‌شوند.

مسئولیت برای پیاده‌سازی اصلاحاتی که در اینجا توضیح داده شده است، بسته به ترتیبات سازمانی مربوطه بر عهده بازیگران مختلفی قرار می‌گیرد. به طور کلی قوانین گزینش قضات در قوانین اساسی گنجانده شده‌اند، که به دلیل اکثریت‌های مورد نیاز برای اصلاح آنها به دشواری تغییر می‌کنند. با این حال سازمان‌های مسئول تعیین و انتصاب قضات می‌توانند به راحتی قدرت خود را محدود کنند و در نتیجه نمونه‌هایی از مشارکت ایجاد کرده، شفافیت را افزایش دهند. مثال زیر در مورد آرژانتین ایده‌های جالب و ساده‌ای در این مورد ارائه می‌دهد.

۵-۳. اطلاعات درباره اعلامیه‌های دارایی و درآمد

در طول دو دهه گذشته، افزایش شمار اقدامات غیرقانونی انجام شده توسط مقامات رسمی در حکومت‌های دموکراتیک جدید بر بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین تأثیر گذاشته است. در بعضی موارد، رسوایی به اندازه‌ای

رسید که به عزل و حتی حبس رییس جمهورها انجامید؛ مانند پرونده کلر دی ملو^{۳۴} برزیل، فوجی موری^{۳۵} پرو، مینم^{۳۶} آرژانتین. در این زمینه، برخی دولت‌ها، آژانس‌های بین‌المللی، سازمان‌های مردم‌نهاد و موسسات مالی بین‌المللی طرح‌هایی را برای مبارزه با فساد پیشنهاد دادند. برخی از این ابتکارات شامل بسط و توسعه معاهداتی (برای مثال کنوانسیون داخل آمریکایی علیه فساد) است که اصول اخلاقی سخت‌گیرانه و استانداردهای شفافیت را اتخاذ می‌کنند و آژانس‌های حکومتی جهت متخصص شدن در مسائل فساد یا نظارت شهروندان بر تدارکات حکومتی خلق می‌کنند.

^{۳۴}Collor de Mello

^{۳۵}Fujimori

^{۳۶}Menem

باکس ۷. آرژانتین: دسترسی به اعلامیه‌های مالی قضات از طریق قانون اخلاق عمومی

آرژانتین در سال ۱۹۹۹ قانون اخلاق عمومی (شماره ۲۵-۱۸۸) را که عملکرد ادارات دولتی را تنظیم می‌کند، تصویب کرد. در سیستم آرژانتین به وسیله مشاهده عمومی اعلامیه‌های مالی، دسترسی به داده‌هایی مانند دارایی شخصی و همچنین اطلاع از درآمد مقامات دولتی امکان‌پذیر است. قانون اخلاق عمومی برای همه مقامات دولتی قابل اجرا است ولی چند سالی دیوان عالی تصریح کرد که در مورد اعضای قوه قضاییه اجرا نمی‌شود. در سال ۲۰۰۰ این دادگاه حکم ۱/۲۰۰۰ را صادر کرد که بر اساس آن قوه قضاییه ملی را از اجرای قانون اخلاق عمومی مستثنی کرد.

این تنها در سال ۲۰۰۵ بود - با استفاده از تصمیم ۵۶۲/۰۵ - که شورای قضایی تصمیم به اجرای این قانون نسبت به اعضای قوه قضاییه ملی گرفت. همان سال دیوان عالی حکم ۳۰/۰۵ را صادر کرد که تصمیم شورای قضایی را تایید می‌کرد. با این وجود دسترسی به اعلامیه‌های مالی اظهار شده به وسیله قضات بسیار دشوار بود؛ زیرا این احکام اجرا نشد. سرانجام در سال ۲۰۰۷ شورای قضایی، قانون اخلاق عمومی (طی مقرر ۷۳۴/۰۷) تنظیم کرد که افشای اعلامیه‌های درآمد و دارایی اظهار شده به وسیله اعضای قوه قضاییه را به واسطه قانون تصویب کرد.

با توجه به مقررات موجود، افراد علاقمند به اطلاع درباره دارایی‌های قضات لازم است از دبیر شورای قضایی درخواست کنند و دسترسی به آنها را بدون هیچ تشریفات لازم دیگری به دست آوردند. تصمیم جدید محدودیت‌های موجود را حذف کرد، محدودیت‌هایی که اشعار می‌داشت لازم است درخواست نخست به نظر قاضی که دارایی‌های وی در حال بررسی است، برسد و سپس تصمیم گرفته شود که آیا با تقاضا با توجه به هرگونه اعتراضی که به وسیله قاضی اظهارکننده مطرح شده است، موافقت یا رد شود.

در حال حاضر مقرر شده که "هر فرد ... قادر به رایزنی و گرفتن کپی از نسخه عمومی اعلامیه جامع مالی از رییس شورای قضایی ملی می‌باشد. تقاضاها باید در مدت ۱۰ روز کاری بدون امکان تمدید، پاسخ داده شوند." این حکم اضافه می‌کند که " هنگامی که متقاضی این درخواست را انجام داده است، رئیس شورای ملی قضایی به قاضی یا مقام رسمی اطلاع می‌دهد که یک درخواست در مورد اعلامیه وی پردازش شده است، همچنین هویت متقاضی را نشان می‌دهد."

علاوه بر این، سالی یک بار شورا به تهیه فهرستی از مقامات و قضات ملزم به ارائه اعلامیه مالی؛ انتشار فهرست به روز شده از کسانی که اعلامیه خود را ارسال کرده‌اند یا نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند؛ و ثبت پرونده‌های مربوط به دسترسی به دارایی‌ها و اطلاعات درآمد که دریافت شده است، ملزم می‌باشد. سرانجام لیستی از اطلاعات در اعلامیه‌ها که از افشا معاف شده بود در نظر گرفته شد، ولی تصمیم گرفته شد این اطلاعات به عنوان بخشی از یک پیوست محرمانه در نظر گرفته شود؛ زیرا این اطلاعات، "داده حساس" تلقی می‌شود. این داده‌های حساس، نام و نام خانوادگی همسر، پارتنر یا فرزند کوچک تحت تکفل، شامل رابطه و اشتغال آنها؛ نام و نام خانوادگی طلبکاران و بدهکاران در این بخش با اشاره به جزئیات بدهی‌ها و اعتبارات؛ نام بانک یا موسسه مالی که در آنها دارایی‌های خود را نگهداشته‌اند؛ تعداد حساب‌های جاری، حساب‌های پس‌انداز، صندوق‌های امانات و کارت‌های اعتباری و رمزه‌های عبور آنها؛ مالیات بر درآمد عودت داده شده برای هر گونه حقوق اضافی که دریافت می‌کنند و یا دارایی‌های شخصی که در فرآیند اقتصادی ثبت نشده‌اند؛ محل دقیق دارایی‌ها و اطلاعات ثبت یا شناسایی دارایی ثابت قابل ثبت، شامل می‌شوند.

در سال‌های اخیر، یکی از ابزارهایی که به صورت گسترده به کار گرفته شده است الزام مقامات عمومی به اعلامیه‌های درآمد و دارایی بوده است؛ امری که به عنوان یک مسأله‌ی اخلاقی برجسته در مبارزه با فساد پدید آمده است. هدف اعلامیه‌ها کنترل انباشت ناروای دارایی و از این طریق پیشگیری از جرایمی نظیر دارا شدن

غیرقانونی است. در حالی که ضرورت اعلامیه دارایی و درآمد در اصل، اعضای قوه‌های مجریه و مقننه را هدف گرفته بود، پس از آن به اعضای قوه قضاییه گسترش یافت.

به کارگیری ابزارهای پیشگیرانه مانند اعلامیه‌های افشای دارایی و درآمد، با اعمال حق دسترسی به اطلاعات عمومی تکمیل شد که اجازه نظارت بر رفتار اعضای همه قوای حکومتی از جمله قوه قضاییه را می‌دهد. هدف اصلی این نوع ابزار، شناسایی و جلوگیری از دارا شدن غیرقانونی و نیز تعارض منافع بالقوه برای افرادی که ادارات عمومی را اداره می‌کنند، است.

در سطح بین‌المللی دو ابزار اساسی وجود دارد که نیاز به پیاده‌سازی چنین سازوکارهای پیشگیرانه‌ای را ایجاد می‌کنند: کنوانسیون بین‌المللی آمریکایی علیه فساد^{۳۷} که در بالا به آن اشاره شد و کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد^{۳۸} اگر چه بسیاری از کشورها چنین سازوکارهایی را اجرا می‌کنند، حقوق تطبیقی فاقد یک قاعده دقیق برای تعیین مواردی است که باید در اعلامیه‌های مالی ذکر شود. با این حال می‌توان ادعا کرد که این سازوکارها باید تعادلی میان شفافیت مالی و حق دسترسی به اطلاعات از یک سو و امنیت و حریم خصوصی قضات از سوی دیگر حفظ کنند.

با این وجود علی‌رغم معیارهای متفاوتی که وجود دارند، پذیرفته شده که آیت‌های خاصی در این اعلامیه‌ها ضروری است. از آن جمله است: درآمد حاصل از فعالیت‌های حرفه‌ای؛ سرمایه‌گذاری‌های بازرگانی؛ اموال غیرمنقول متعلق به مقامات و اعضای خانواده‌هایشان؛ دارایی‌های ثابت^{۳۹}؛ اطلاعات بانکی (نام بانک‌ها و شماره حساب؛ بدهی‌ها) و هدایا یا خدمات رایگانی که بیش از مقدار معینی دریافت می‌شود. به همین ترتیب ضروری است اطلاعاتی که در این اعلامیه‌ها وجود دارد در اسرع وقت به‌روز شده و در دسترس قرار گیرد. ایجاد یک تعهد الزامی حداقلی به ارائه اعلامیه مالی در آغاز و پایان دوره اجرایی، که اطلاعات آن به‌طور سالانه به‌روز رسانی شود، ضروری است. این تعهد باید به وسیله قانون الزام شود، هر چند هیچ دلیلی وجود ندارد که قضات و مقامات قضایی نتوانند اعلامیه‌های مالی خود را به صورت داوطلبانه در اختیار عموم قرار دهند.

اگر چه تعهد به ارائه اعلامیه مالی معمولاً به وسیله قانون لازم شمرده می‌شود، هیچ چیز نمی‌تواند مانع از آن شود که قوه قضاییه خود در این زمینه قواعدی وضع کند. دادگاه‌های عالی و شوراهای قضایی می‌توانند با به‌کارگیری اختیارات اداری و خودگردانی، ضرورت‌هایی برای اعضای قوه قضاییه در ارتباط با افشای دارایی‌های خود ایجاد سازند.

۵-۴. اطلاعات درباره جلسات برگزار شده توسط مقامات ارشد

به‌طور کلی دولت‌های منطقه اقدامات لازم جهت تضمین دسترسی به اطلاعات جلسات برگزار شده توسط مقامات ارشد را اتخاذ نکرده‌اند. اگر اکثریت قوانین تنظیم دسترسی به اطلاعات را از لحاظ حقوق تطبیقی بررسی کنیم،

^{۳۷} Inter-American Convention Against Corruption

^{۳۸} United Nations Convention Against Corruption

^{۳۹} Fixed assets

مشاهده می‌کنیم که تقریباً همه این قوانین دسترسی به نتایج فرآیندها را تضمین می‌کنند، نه بیشتر از آن. این بدان معنا است که عموماً دسترسی به آن اطلاعات و/یا آماری مجاز است که تصمیم یا نتیجه نهایی از آن منتج شده است. این بدان معنا است که اطلاع یافتن از چگونگی و چرایی اتخاذ تصمیمات خاص امکان‌پذیر نیست؛ از جمله چه کسانی در جلسه یکدیگر را ملاقات کرده‌اند، با چه هدفی و تحت چه شرایطی. اجازه دسترسی به اطلاعات در مورد مسائلی که در چنین مواردی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، عامل مهمی در شفافیت جلسات است که می‌تواند ارتباط نهادی داشته باشد و سزاوار شناخته شدن به وسیله جامعه باشد.

به همین دلیل مهم است که اطلاعات خاص درباره جلسه در دسترس باشد: مکان، روز و ساعت، دلیل تشکیل جلسه، شرکت‌کنندگان و موضوعات مورد بحث. همچنین ضروری است دسترسی به اطلاعات مربوط به مسائلی که مورد بحث قرار گرفته، محل برگزاری، موافقت‌نامه‌ها و نتایج بعداً ارائه شود. این اطلاعات را می‌توان به راحتی از طریق اینترنت یا بولتن‌های اطلاعاتی منتشر ساخت. تعهد به افشای این جنبه‌ها می‌تواند با استفاده از یک قانون مصوب کنگره که به مسائل شفافیت در تمام قوای حاکمیت می‌پردازد، همچنین می‌تواند به وسیله تصمیمات خود دادگاه‌های عالی یا شوراهای قضایی، که اختیارات گسترده‌ای برای اتخاذ این نوع تصمیمات دارند، ایجاد شود. شایان ذکر است که نبود مقررات در رابطه با این رویه‌ها (از جمله در حوزه قوه مجریه) منجر به عدم وجود اطلاعات می‌شود. علی‌رغم این نبود مقررات، دو مورد مربوط به این موضوع ذکر شده است؛ آرژانتین و پرو. در مورد اول، تصمیم ۷/۲۰۰۴ دیوان عالی آرژانتین بیان می‌دارد که رسیدگی‌ها و جلسات با قضات برای فراهم آوردن شفافیت، همیشه باید با حضور دو طرف درگیر برگزار شود؛ و تصمیم ۳۶/۲۰۰۳ همان دادگاه می‌گوید هنگام بررسی پرونده‌هایی که با مسائل مربوط به واردات سازمانی است تاریخی که آن موضوع به وسیله دادگاه رسیدگی می‌شود باید منتشر و در اختیار عموم قرار گیرد. در مورد پرو، به دلیل تصویب قانون شفافیت که بر ادارات دولتی و قوه قضاییه اعمال می‌شود، پیشرفتی در انتشار حواشی جلسات رسمی به وجود آمده است، ولی برای به دست آوردن دسترسی واقعی به این اطلاعات لازم است با مقامات مسئول این موضوع تماس برقرار شود.

۵-۵. دسترسی به آمار

یکی از مهمترین راه‌های ارزیابی کار یک دادگاه، استفاده از اطلاعات آماری در مورد عملکرد آن است. چنین اطلاعاتی امکان تجزیه و تحلیل عملکرد، شناسایی دستاوردها، شناسایی مشکلات، و در نهایت طراحی استراتژی برای حل آنها را فراهم می‌سازد. به عنوان مثال اطلاع از آمار پرونده‌های دادگاه‌ها، میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌ها و درصد تایید احکام محکومیت آنها، ارزیابی سوابق دادگاه‌ها و کیفیت تصمیمات آنها را امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین ضروری است برخی اطلاعات پایه درباره عملکرد دادگاه‌ها داشته باشیم؛ از جمله اطلاعات درباره تعداد پرونده‌های جدید، پرونده‌های در نوبت رسیدگی و مختومه در یک دوره زمانی مشخص، مدت زمان پرونده‌ها، و تعداد احکام محکومیت درباره هر موضوع.

در این زمینه، قوه قضاییه موظف به تولید اطلاعات آماری و در دسترس قرار دادن آن برای شهروندان است. این امر نه تنها به افزایش شفافیت سیستم قضایی کمک می‌کند، بلکه به افزایش تعامل بین دادگاه‌ها و جامعه مدنی می‌انجامد؛ زیرا سازمان‌های متعددی هستند که می‌توانند در آنالیز عملکرد دادگاه‌ها کمک کنند و شهروندان را

قادر سازند تا در مورد عملکرد و محدودیت‌های کار قضات بیاموزند. همچنین این امر داشتن اطلاعات قابل اعتماد برای ارزیابی چنین سیستمی را امکان‌پذیر می‌سازد که به شناسایی معضلات موجود و ارائه راه‌حل‌های بالقوه کمک می‌کند.

باکس ۸. کاستاریکا: گزارش‌های آماری سالانه و فصلی

در حال حاضر، قوه قضاییه کاستاریکا آمار مربوط به کار دادگاه‌ها را روی وبگاه خود منتشر می‌کند. این اطلاعات بعداً در گزارش آماری سالانه گردآوری می‌شود.

این نشریه اطلاعات کمی درباره جریان کار قوه قضاییه و ادارات دولتی در تمام کشور را گزارش می‌دهد و برای تجزیه و تحلیل توسعه در سه حوزه سازمان‌دهی شده است: معاونت عالی، حوزه کیفری و حوزه غیرکیفری. علاوه بر این، همچنین یک ارزیابی از شاخص‌های مدیریت قضایی برای بخش‌های مختلف، با هدف اعمال ارزیابی فنی از عملکرد مدیریت قوه قضاییه وجود دارد. آنها عبارتند از:

ورودی‌ها، تعداد کارکنان و میزان مفید بودن آنها؛

میزان دادخواهی و پرونده‌های مطروحه در دادگاه؛

تولید و بهره‌وری؛

طول مدت (رسیدگی) و اطاله؛

کیفیت خدمات.

علاوه بر گزارش سالانه، قوه قضاییه اسناد فصلی با داده‌های مربوط به حفظ یک سطح اطلاعات به روز شده در مورد روندهای آماری موجود در ادارات قضایی، پیش از انتشار گزارش سالانه قضایی منتشر می‌کند.

چنین داده‌های آماری برای خود قوه قضاییه نیز ضروری است، تا بتواند برای کار خود برنامه ریزی مناسب کند و تخصیص منابع شایسته را انجام دهد. به عنوان مثال آمار قضایی به عنوان راهی برای شناسایی توزیع جغرافیایی تقاضای خدمات قضایی و تغییرات در این تقاضا، به کار می‌رود؛ به این طریق که اجازه می‌دهد تصمیمات سیاست عمومی قضایی بر مبنای وضعیتی که آن اطلاعات نشان می‌دهند اتخاذ شود. متأسفانه تمامی قوای قضاییه چنین اطلاعاتی را تولید نمی‌کنند. در برخی موارد که چنین اقدامی انجام می‌شود، برای اهداف فوق مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در بسیاری از کشورها دادگاه‌های عالی اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند، حتی اگر کامل نشده باشد یا تمام دادگاه‌های کشور را شامل نشود. بسیاری از دادگاه‌های عالی ایالتی در کشورهای دارای ساختار فدرال، هیچ علاقه‌ای به این نوع داده‌ها نشان نمی‌دهند.

۶. دسترسی به اطلاعات و رویه‌های شفاف‌سازی مربوط به کارکردهای قضایی قوه قضاییه

این بخش اقدامات مربوط به دسترسی به اطلاعات و شفافیت در قوه قضاییه را از لحاظ عملکرد قضایی آن بررسی می‌کند و بر دستگاه عدالت واقعی تمرکز می‌کند؛ به مسائلی مانند عمومی‌سازی احکام؛ دسترسی به پرونده‌های دادگاه در پرونده‌های فساد مقامات عمومی (دولتی)؛ اطلاعات درباره عملکرد دیوان عالی؛ شفافیت در جلسات دادگاه و سازوکارهایی برای مشارکت جامعه مدنی اشاره می‌کند.

چنین رویه‌هایی به واسطه‌ی تجربیاتی که روش‌های سازمان‌های متفاوت را برای ارائه شفافیت در عملکرد دادگاه‌ها و تشویق مشارکت شهروندان نشان می‌دهند، توضیح داده می‌شود. این تجربیات از سازوکارهایی مانند کانال‌های تلویزیونی و ایستگاه‌های رادیویی برای پخش جلسات دادگاه، دادرسی‌های علنی و روش‌های مشارکت جامعه مدنی مانند نظارت‌های قضایی یا دوستان دادگاه و غیره استفاده می‌کنند.

۶-۱. عمومی‌سازی احکام دیوان عالی کشور

به عنوان راس یکی از قوای سه گانه حکومت، تصمیمات دیوان عالی کشور فراتر از موارد مورد بحث است و بر ماهیت نهادی یک کشور به چند روش اساسی تاثیر می‌گذارد. دادگاه‌های عالی روزانه مسائل مربوط به حقوق افراد یا تعهدات دولت را حل و فصل می‌کنند. به این ترتیب تصمیمات آنها تاثیر تعیین کننده‌ای در تنظیم روشی دارد که در آن روش، حمایت از حقوق شهروندی اعمال می‌شود. علاوه بر این، تصمیماتی که از سوی این نهادها اتخاذ می‌شود، بسیار حیاتی است؛ زیرا دستورالعمل‌هایی را برای عملکرد دادگاه‌های پایین‌تر تدوین می‌کنند. از این رو، رویه قضایی که توسط دادگاه‌های عالی تدوین می‌شود، نقش قانونی را دارد که وحدت رویه و ثبات برای نظام عدالت فراهم می‌آورد.

بر این مبنا، انتشار تصمیمات دیوان‌های عالی و در نتیجه در دسترس عموم شهروندان، متخصصان حقوقی و دادگاه‌های پایین‌تر قرار دادن این تصمیمات یک ضرورت است. مایه شگفتی است که هنوز کشورهایی هستند که در آنها دادگاه‌های عالی یا ایالتی آنها احکامشان را منتشر نمی‌کنند و فقط این حق را برای اطراف پرونده به رسمیت می‌شناسند. این قصور [در انتشار آرای دیوان] نه تنها بر اصل عمومی سازی که کارکرد دموکراتیک نهادها را کنترل می‌کند، تاثیر می‌گذارد، بلکه مشروعیت و کارایی عملکرد آن دادگاه را از بین می‌برد؛ زیرا کار آنها برای جامعه یا دادگاه‌های پایین‌تر در نظام عدالت شناخته و روشن نمی‌شود.

علاوه بر این، انتشار احکام به نظارت شهروندان (عمدتاً از طریق رسانه، سازمان‌های جامعه مدنی، دانشگاه‌ها و سایر طرف‌های علاقمند به کار عدالت) بر عملکرد دادگاه‌ها کمک می‌کند.

همانطور که پیشتر اشاره شد، یک مشکل در این منطقه، عدم پوشش مناسب مسائل قوه قضاییه، به ویژه احکام، به وسیله رسانه‌ها است. با توجه به اهمیت احکام قوه قضاییه و در پرتو بی‌اعتمادی گسترده جامعه به عملکرد دادگاه‌ها، توجه روزنامه‌نگاران به این مساله ضروری است.

با این حال چنانکه پیشتر ذکر شد، این مشکل دارای دو ریشه متمایز است که به یکدیگر وابسته اند. نه قوای قضاییه سیاست‌های ارتباطی و مقامات متخصص برای ارتباط با رسانه‌ها و مطبوعات دارند و نه رسانه‌ها تلاش کافی برای پوشش دادن موضوعاتی که ماهیت فنی دارند، انجام داده اند. اغلب روزنامه نگاران و سردبیران از آموزش‌های لازم برای توضیح دادن مسائل حقوقی که مورد رسیدگی دادگاه‌ها قرار می‌گیرد، به شیوه‌ای ساده و قابل فهم به

جامعه برخوردار نیستند. با این حال تجربیاتی در این منطقه (و خارج از آن) وجود دارد که خط‌مشی‌های ممکن را برای اصلاح این وضعیت نشان می‌دهد.

باکس ۹. مکزیک: انتشار احکام در وبگاه

قانون فدرال درباره شفافیت و دسترسی به اطلاعات دولتی عمومی (Ley Federal de Transparencia y Acceso a la Información Pública Gubernamental, LFTIAIPGón PúInformación) انتشار احکامی را که به وسیله قوه قضاییه صادر شده است، لازم می‌شمارد. رویه قضایی که از شعب مختلف دادگاه خارج می‌شود بر روی وبگاه (www.scjn.gob.mx/PortalSCJN) همچنین در نشریه هفتگی قضایی* منتشر می‌شود. این اطلاعات به روز شده به راحتی از طریق واحد هماهنگی برای تدوین و ساماندهی آرا** قوه در دسترس است. علاوه بر این دیوان عالی سی‌دی‌ها و دی‌وی‌دی‌هایی را برای توزیع عمومی منتشر می‌کند که حاوی مجموعه‌ای از تصمیمات است که به صورت دوره‌ای، علاوه بر پست‌های روزآمد وبگاه درباره پرونده مربوطه ساماندهی شده است.

DPLF 2007a

* Semanario Judicial

** Coordination Unit for the Compilation and Systematization of Decisions

۶-۲. دسترسی به پرونده‌های دادگاه در موارد فساد مقامات رسمی عمومی

یکی از موانع عمده در مبارزه علیه فساد در کشورهای آمریکای لاتین، شکست مکرر قوه قضاییه در تحقیقات کیفری و مجازات مجرمان است. این وضعیت که بر این منطقه به صورت نسبتاً پایدار تأثیری می‌گذارد، علل مختلفی دارد: ناکارآمدی مژمن نظام‌های عدالت، مداخله سیاسی در قوه قضاییه، نبود آموزش برای تحقیق درباره جرایم پیچیده، عدم رهبری توسط قضات و عدم شفافیت در دادرسی‌های دادگاه. این عنصر آخر، عدم شفافیت در فعالیت‌های قضایی، می‌تواند از طریق اقدامات خاصی که امکان دسترسی به تحقیقات قضایی یا پرونده‌ها را فراهم می‌کند، کاهش یابد.

در حال حاضر، قضات دسترسی به اطلاعات محاکمه در تحقیقات مربوط به فساد را برای سازمان‌های مردم‌نهاد یا روزنامه نگاران فراهم نمی‌آورند. دلایل ذکر شده متنوع هستند و در عمل به طور جدی مانع بررسی دقیق شهروندان در مهمترین پرونده‌های فساد می‌شوند. این مانع باید با توجه به اطلاع‌های مهمی که در رسیدگی‌های دادگاه شده، ارزیابی شود. چنین تحقیقاتی معمولاً با مشارکت اندک یا عدم مشارکت کنشگران غیردولتی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، رویه‌های دادرسی به وسیله قضات، دادستان‌ها و در برخی پرونده‌ها سازمان‌های متخصص در امر فساد هدایت می‌شوند. قواعد رویه‌ای در آمریکای لاتین معمولاً مداخله روزنامه نگاران، سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز علمی را ممنوع می‌کند و علی‌رغم وجود یک منفعت عمومی آشکار که نه تنها به حق دسترسی به اطلاعات، بلکه حتی به حق هر شهروند به مطالبه درستکاری از مقامات و نمایندگان شان مربوط می‌شود، استدلال می‌کنند که آنها هیچ نقشی در رسیدگی‌های دادگاه ایفا نمی‌کنند.

این وضعیت نیاز به راه‌اندازی سازوکارهای نظارتی جایگزین تحت مدیریت جامعه مدنی و دیگران را آشکار می‌سازد. چنین ابتکاراتی باید به دنبال دستیابی به پرونده‌های دادگاه در جایی باشد که جرایم فساد اداری مورد تحقیق قرار گرفته است و با دسترسی به پرونده‌ها، از مشارکت مداوم در رویه‌ها در جهت فراهم کردن نظارت اضافی با

توجه به پیشرفت تحقیقات اطمینان حاصل کند. ممکن است گفته شود که هر گونه دخالت سازمان‌های مردم نهاد و روزنامه نگاران در تحقیقات دادگاه نباید مانع تحقیقات شود یا جایگزین نقش قضات یا دادستان‌ها در طول فرآیند گردد. بر عکس هدف چنین مداخلاتی کمک به شفافیت بیشتر و به طور غیرمستقیم کاهش اختیاراتی است که تحقیقات جنایی درباره فساد با آن مدیریت می‌شود. این به این دلیل است که گاهی اوقات چنین پرونده‌هایی ممکن است به علت رکود داخل سیستم قضایی به حالت فلج درآید.

باکس ۱۰. تجارب توسعه یافته به وسیله جامعه مدنی

آرژانتین: «تصمیم گیری‌های دادگاه در دسترس شهروندان»

از سال ۲۰۰۶ انجمن حقوق مدنی (ADC) یک ضمیمه سالانه در رابطه با مهمترین احکام دیوان عالی کشور تهیه دیده است که توسط بیش از ۲۰ روزنامه ملی و منطقه‌ای با میانگین تیراژ ۷۰۰ هزار نسخه منتشر می‌شود. هدف اصلی آن است که خوانندگان را با عملکرد دیوان عالی کشور آشنا کند و تاثیر تصمیمات آن مرجع را بر حقوق شهروندی بیاموزاند. این ابتکار به وسیله انجمن نهادهای مطبوعاتی آرژانتین (ADEPA) حمایت می‌شود. همچنین حاوی سرمقاله‌ای در خصوص عملکرد دیوان عالی کشور در آن سال و گرافیک‌هایی درباره پرونده‌های مختومه، داده‌های اصلی درباره دادگاه و نحوه رای دادن اعضای آن است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید: www.adc.org.ar

ایالات متحده: پوشش پرونده‌های دادگاه

کار برجسته‌ی روزنامه نگار لیندا گرینهوس از نیویورک تایمز، یکی از بهترین نمونه‌های پوشش خوب دیوان عالی است. گرینهوس که به تازگی بازنشسته شده، برای سال‌ها مقالات مفصلی را می‌نوشت که جزئیات مرتبط و بحث برانگیز مسائل مطرح در محضر دادگاه را ارائه می‌داد. باید در نظر داشت که کار او آسانتر می‌شد به واسطه این واقعیت که دیوان عالی ایالات متحده در ابتدای هر سال لیستی از پرونده‌هایی که در طول دوره بررسی می‌کند، منتشر می‌سازد و اجازه مطالعه و تجزیه و تحلیل مساله پیشین را می‌دهد. یادداشت‌های او نه تنها زوایای حقوق اساسی و سیاسی پرونده‌ها را پوشش می‌داد، بلکه همچنین داستان‌های انسانی پشت پرده هر پرونده را بیان می‌کرد. کار او با استفاده عالی از تصاویر و گرافیک‌هایی که نه تنها به جلب توجه خوانندگان کمک می‌کرد، بلکه به توضیح به شیوه ساده مسائلی مانند موقعیت هر قاضی در مورد اختلافات حقوقی و ایدئولوژیک در پشت پرونده و یا چگونگی تکامل تفکر دادگاه در طول زمان، تکامل یافته بود.

منطقه‌ای: عدالت و رسانه

رابطه بین قوه قضاییه و رسانه پدیده‌ای است که در سال‌های اخیر توجه رو به رشدی را در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین به دست آورده است. عدم موفقیت قضات برای ارتباط برقرار کردن تصمیماتشان [با مردم]، به ویژه در پرونده‌های پیچیده یا پرونده‌هایی که آثار عمومی گسترده دارند، با عدم صلاحیت پوشش مسائل قضایی در بسیاری از رسانه‌ها افزایش یافته است. این ترکیب کمبودها بر مشروعیت قوه قضاییه و درک شهروندان از نظام قضایی اثر می‌گذارد. مثلاً در پرو انجمن قضات برای عدالت و دموکراسی و شورای مطبوعاتی پرو از پروژه‌ای برای ایجاد کانال‌های ارتباطی بین نظام قضایی و ژورنالیست‌ها حمایت می‌کند که نه تنها رسانه‌ها را قادر می‌سازد چگونگی عملکرد قوه قضاییه را درک کنند، بلکه فضا را برای درک بهتر عملکرد رسانه توسط قضات فراهم می‌کند. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.justiciaviva.org.pe

در آرژانتین ابتکارات مشابهی آغاز شده که شامل سازمان‌های مردم نهاد متمرکز بر بخش قضایی و روزنامه نگاران همچنین انواع مختلف قوه قضاییه می‌شود. Poder Ciudadano، FORES، CIPPEC و ADC هر کدام برنامه‌های مختلفی با محوریت ارتقای ارتباط رسانه‌ها با قوه قضاییه ایجاد کرده‌اند. این فعالیت‌ها عبارتند از: انجام تحقیقات، توسعه کتاب‌های راهنما درباره قوه قضاییه برای روزنامه نگاران و برگزاری کارگاه‌های آموزشی. در سال ۲۰۰۷ انجمن روزنامه نگاران آرژانتین (Foro de Periodismo Argentino, FOPEA) با دیوان عالی کشور تفاهم‌نامه‌ای را امضاء کرد تا دسترسی شهروندان به اطلاعات قانونی را بهبود بخشد. این توافقنامه شامل توسعه فعالیت‌های آموزشی مشترک و سمینارهایی برای تجزیه و تحلیل مسائل روزنامه نگاری و ارتباطات در زمینه انتشار عملکرد دادگاه‌ها است. برای اطلاعات بیشتر ببینید:

www.foresjusticia.org.ar، www.cippec.org، www.adc.org.ar، www.poderciudadano.org و www.fopea.org

۶-۳. اطلاعات در مورد کارهای دیوان عالی

با توجه به موقعیت قضایی‌شان در قوه قضاییه ملی و محلی، کار دادگاه‌های عالی سنگین‌تر از دادگاه‌های پایین‌تر است. برای مثال سوابق آنها در جهت ایجاد رویه برای دادگاه‌های موجود و تعیین استانداردهایی که باید به وسیله تمام سیستم قضایی مورد احترام قرار گیرد، به کار می‌رود. به همین علت دادگاه‌های عالی باید در جهت ارتقای شفافیت و مشارکت شهروندان هدایت شوند و رهنمودهایی برای رویه خود تدوین کنند که به طور گسترده‌ای برای دادگاه‌های موجود قابل اعمال باشند.

در این زمینه دادگاه‌های عالی به انتشار اطلاعات مربوط به فعالیت قضایی‌شان نیاز دارند؛ چراکه آنها یک دادگاه متشکل از قضات متعدد هستند. برای مثال، آنها باید دسترسی به اطلاعات عمومی مربوط به گردشکار پرونده‌ها ایجاد کنند. شایان ذکر است هنگامی که یک پرونده به دادگاه می‌رسد تا زمانی که حکم صادر شود، پرونده از طریق دفاتر هر یک از اعضای شعبه دادگاه به گردش در می‌آید (توزیع می‌شود) تا آنها بتوانند شرایط پرونده را بررسی کنند و پیش‌نویس نظر خود را تهیه کنند. دیوان عالی آرژانتین درباره اینکه کدام قاضی در حال رسیدگی پرونده است، از طریق وب سایت خود گزارش می‌دهد. این امر موجب شفافیت در مورد گردش پرونده می‌شود و از تاخیر ناعادلانه جلوگیری می‌کند.

دیوان عالی کشور کاستاریکا برنامه شفافیتی را اجرا کرده است که شامل ارسال اینترنتی دقیقی از جلسات دادگاه و شورای عالی، همچنین اطلاعات درباره آیین‌های دادرسی انضباطی علیه قضات و مقامات می‌شود. دادگاه عالی ایالت بوینس آیرس به وسیله سیستم مبتنی بر وب خود (JUBA) نه تنها احکام، بلکه آیین‌نامه‌ها و تصمیمات اداری که در توافقنامه‌های جامع دادگاه مطرح شده‌اند را منتشر می‌کند. به همین ترتیب سیستم فناوری اطلاعات، که دادگاه برای رسیدگی به پرونده‌ها استفاده می‌کند، آگاهی درباره رای قضات در هر پرونده و اینکه پرونده در اختیار کدام قاضی است را امکان پذیر می‌سازد. متأسفانه اطلاعات اخیر برای عموم قابل دسترس نیست.

۶-۴. شفافیت در جلسات دادگاه و سازوکارهای برانگیختن مشارکت جامعه مدنی

یکی از مشکلات تاریخی قوه‌های قضاییه در آمریکای لاتین انزوای آنها نسبت به سایر بخش‌های جامعه بوده است. چنانکه قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، قضات و دادگاه‌ها معمولاً در پشت درهای بسته، با استفاده از فرآیندهای بسیار پیچیده به لحاظ آیین دادرسی و با ارتباط محدود با شهروندان برای پیشرفت تحقیقات در حال انجام، عمل می‌کنند. این چنین هنگامی که نظام‌های قضایی باید چالش‌های ایجاد شده به وسیله نوسان در حرکت‌های سیاسی منطقه را حل کند، به نگرانی ویژه‌ای بدل می‌شود.

در سال‌های اخیر دادگاه‌های آمریکای لاتین پرونده‌هایی را با آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ نظیر پرونده‌های فساد جدی مربوط به مقامات دولتی، آلودگی محیط زیست، وضعیت زندان‌ها، نقض حقوق بشر، محدودیت قدرت مجازات‌گری دولت و حقوق جنسی و باروری و امثالهم.

پیچیدگی زیاد این پرونده‌ها مانع ارتباط میان جامعه و قوه قضاییه می‌شود. در این زمینه گفت و گوهای پیش از تصمیم‌گیری‌ها و جنبه‌های مختلف مرتبط با فرآیندهای تصمیم‌گیری - و انتشار بعدی آنها - می‌توانند از باز بودن

بیشتر به شدت بهره ببرند و با مشارکت جامعه غنی شوند. در زیر به چند ابتکار قابل توجه اشاره می‌شود که می‌تواند به توضیح این ادعا کمک کند.

باکس ۱۱. آرژانتین: مشارکت سمن ها در پرونده های فساد اداری

در طی ۱۵ سال گذشته، دادگاه‌های آرژانتین صدها شکایت مربوط به اقدام به فساد اداری به وسیله مقامات دولتی ادارات مختلف را دریافت کرده‌اند. با این حال تعداد اندکی از پرونده‌ها به محکومیت متهمان منجر شده‌اند. این امر به این احساس شهروندان دامن می‌زند که یک مصونیت/بی‌کیفری ناگفته (unspoken impunity) از کسانی که به هزینه مالیات دهندگان در دولت کامیاب می‌شوند، حفاظت می‌کند. در این زمینه ناکارآمدی و در بعضی پرونده‌ها چشم پوشی قوه قضاییه در حل چنین جرایمی منجر به از دست دادن اعتماد شهروندان به نهادهای قضایی می‌شود.

در مواجهه با سناریوی فوق، انجمن مدنی برای برابری و عدالت (ACIJ) و مرکز تحقیق و پیشگیری جرایم اقتصادی (Centro mica, CIPCEón contra la Criminalidad Econón y Prevencióde Investigaci) طرح ابتکاری را برای دادن دسترسی به تحقیقات قضایی درباره فساد مقامات دولتی ملی که در حال رسیدگی به وسیله دادگاه فدرال شهر بوینس آیرس، جایی که تقریباً ۸۰ درصد این نوع پرونده‌ها در آن متمرکز است، راه اندازی کرده‌اند. نخست آنها یک نمونه از پنجاه پرونده فساد اداری را بررسی کردند. نتایج اولیه هشدار دهنده بودند: این مطالعه نشان داد که مدت زمان میانگین تحقیقات درباره فساد اداری چهارده سال است، که از تاریخ ثبت شکایت تا ختم رسیدگی محاسبه می‌شود. نگرانی بیشتر آنکه مشخص شد تعداد اندکی از پرونده‌ها به مرحله نهایی رسیدگی شفاهی رسیده است، که کارایی اندک نظام قضایی برای اقدام به تحقیقات درباره فساد اداری را نشان می‌دهد.

در مرحله دوم ACIJ و CIPCE کوشیدند به فایل‌های پرونده‌های تحقیقات درباره جرایم فساد دسترسی یابند؛ زیرا یکی از مشکلات اصلی آن است که دادگاه‌ها به طور سیستماتیک روزنامه نگاران و سمن‌ها را از دسترسی به این اطلاعات منع می‌کنند. دسترسی یافتن به پرونده‌های دادگاه دو هدف را دنبال می‌کند. از یک سو هدف این است که منطق حقوقی که چنین حقی را برای سمن‌ها و روزنامه نگاران به رسمیت می‌شناسد، ایجاد کند. در حالی که این رویه‌ها نمی‌توانند به وسیله ابزار درخواست‌های معمولی به مراجع دادگاهی بازگردانده شوند، یکی از منابع موجود دادخواهی استراتژیک در مورد دسترسی به اطلاعات است. این دادخواهی باید به وسیله سمن‌ها و رسانه‌ها انجام شود.

از سوی دیگر مقصود از به دست آوردن دسترسی به فایل‌های پرونده، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل تمامی اطلاعات مربوط به منظور شناسایی نواقص ساختاری قوه قضاییه و سازمان‌های نظارتی در انجام تحقیقات پرونده‌های فساد اداری است. به سادگی دانستن اینکه تحقیقات به طور متوسط چهارده سال طول می‌کشد، شاخصی است از وجود اطاله، مشکلات آموزشی، تنگناها و/یا سایر مشکلات ساختاری که مانع از فرایند رضایت بخش می‌گردد.

اگرچه این پروژه هنوز در حال اجرا است، ولی در حال حاضر نتایج نویدبخشی به دست آورده است. اخیراً بخش دوم دادگاه کیفری ملی (Second Division of the National Criminal) و دادگاه تجدیدنظر فدرال (Correctional Federal) تصمیم گرفتند که درخواست‌های دسترسی به فایل‌های پرونده ACIJ و CIPCE را بر اساس مقررات معاهدات بین‌المللی امضا شده به وسیله جمهوری آرژانتین بپذیرند. در نتیجه کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، عمومی سازی تمام فرآیند کیفری را به عنوان یک قاعده کلی به رسمیت می‌شناسد و کنوانسیون‌های سازمان ملل و منطقه‌ای آمریکایی علیه فساد تصریح می‌کند که سازمان‌های جامعه مدنی باید نقش فعالی را در مبارزه علیه فساد اداری ایفا کنند. این سابقه گامی مهم در راستای کسب دسترسی موثر به اطلاعات در پرونده‌های تحقیقات درباره فساد اداری برای سمن‌ها و روزنامه نگاران است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.acij.org.ar و www.ceppas.org/cipce.

۴-۱-۶. علنی بودن و پخش جلسات دادگاه

انتشار فرآیندها و بحث و گفت و گوهایی که در دادگاه صورت می‌گیرد یک راه مهم برای حل چالش دوگانه برای ایجاد شناخت نسبت به عملکرد دادگاه‌ها و همچنین تقویت اعتماد شهروندان به نهادهای قضایی است. استفاده از ابزارهایی برای رسیدن به این عمومی سازی مانند ضبط جلسات، برای شفافیت و مشروعیت نظام‌های قضایی مفید است. در حالی که در برخی پرونده‌ها برخی قوانین و مقررات مربوط به عمومی سازی فرایندهای قضایی به وسیله قانون تعیین شده است، به طور کلی این خود دادگاه‌های بالاتر هستند که استانداردهای شفافیت و دسترسی حاکم بر عملکرد نهادهای قضایی مختلف را تنظیم می‌کنند.

۴-۲-۶. انتشار دادرسی‌ها در پرونده‌های مربوط به عموم

یکی از رویه‌های مهم دیگر به عمومی سازی جلسات دادرسی در دادگاه‌هایی اشاره دارد که به طور گسترده‌ای به عموم مربوط است.

خبرگزاری‌ها نقش اساسی در ترویج عمومی سازی فرآیندهای قضایی ایفا می‌کنند؛ زیرا شهروندان نوعاً برای استماع یک محاکمه به دادگاه نمی‌روند. بنابراین دسترسی خبرگزاری‌ها به شعب دادگاه‌ها یکی از راه‌های تضمین اصل

باکس ۱۲. مکزیک: شبکه تلویزیونی درباره مسائل قضایی

در ژوئیه ۲۰۰۶ قوه قضائیه در مکزیک پخش برنامه از شبکه قضایی را آغاز کرد، یک سیگنال تلویزیونی که به وسیله ارائه دهندگان کابلی برای کل کشور پخش می‌شود. این ابتکار نوآورانه پاسخی بود به درخواست‌های چندین بخش از جامعه در مشاوره ملی درباره اصلاحات جامع نظام قضایی مکزیک (National Consultation on a Comprehensive Reform of the Justice System of Mexico) که در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ انجام شد. یافته‌های این مشاوره نشان داد قوه قضائیه فدرال به یافتن راهی بهتر برای تضمین شفافیت در تصمیماتش نیاز دارد.

ایجاد کانال تلویزیونی به وسیله مقامات قضایی به عنوان راه مهمی برای انعکاس ساده و قابل درک اینکه قوه قضائیه چیست، چه کاری انجام می‌دهد و چگونه و با چه هدفی وظایف خود را از طریق سازمان‌هایی که آن را تشکیل می‌دهند، اجرا می‌کند. به همین دلیل کانال قضایی با هدف انتشار مستقیم و بدون واسطه فعالیت‌های روزانه آژانس‌های مختلفی که قوه قضائیه را تشکیل می‌دهد، مانند دادگاه عالی عدالت فدراسیون، شورای قضایی فدرال، دادگاه‌های واحد قضایی یکپارچه و دادگاه‌های دانشگاهی و دادگاه انتخاباتی قوه قضائیه فدراسیون ایجاد شد و به همین ترتیب به تقویت و نوسازی فرهنگ قانونی قوی در کشور کمک می‌کند.

شبکه قضایی برنامه‌های متنوعی دارد از جمله پخش زنده جلسه محاکم دیوان عالی، برخی جلسات دادگاه انتخاباتی و جلسات عمومی مرتبط که به وسیله دادگاه‌های مختلف تالی برگزار می‌شود. همچنین بخش‌هایی به دانشکده‌های حقوق و برنامه‌هایی با اخبار و مصاحبه‌های مربوط به حرفه قضایی اختصاص یافته است. در میان بحث و گفتگوهای مهم دیگر، شبکه قضایی درباره قانون ارتباطات مخابراتی فدرال (LFT) و قوانین رادیو و تلویزیون (LFRT) را بحث می‌کند.

عمومی سازی این فرآیندها است. عملکرد دادگاه‌ها نه تنها از دیدگاه شهروندان به طور کلی (آنها می‌توانند درباره عملکرد دادگاه‌ها در این پرونده‌ها به وسیله مشاهده قوه قضائیه در حال انجام وظیفه بیاموزند) بلکه به نفع متهمان (از لحاظ منصفانه بودن دادگاه) و خود دولت (عموم مردم می‌توانند ببینند چگونه آژانس‌های دولتی بر اساس فرض تخلف از قانون کیفری عمل می‌کنند) توجیه می‌شود.

باکس ۱۳. برزیل: ایستگاه رادیویی درباره مسائل مربوط به عدالت

در سال ۲۰۰۴ دادگاه عالی فدرال در برزیل یک ایستگاه رادیویی که منحصرًا برای مسائل قضایی اختصاص دارد، ایجاد کرد: رادیو عدالت. برنامه های آن که همچنین می تواند از طریق ماهواره و اینترنت دریافت شود، بر تحلیل عمیق مسائل جاری مربوط به عدالت تمرکز دارد و تلاش می کند تا از برخوردهای سطحی که در بسیاری از رسانه های جمعی غالب است، اجتناب کند. این شبکه در همه ایالت های برزیل خبرنگار و تیم محققان و روزنامه نگاران خود را برای گسترش محتوا در اختیار دارد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.radiojustica.gov.br/home.

با این حال اشاره به این نکته مهم است که برخی اوقات ممکن است میان اصل عمومی سازی و حمایت از حق حفظ حریم خصوصی افراد درگیر در یک دادگاه تعارض ایجاد شود. بنابراین ممکن است ما پرونده هایی را ببینیم که در آنها عمومی سازی می تواند به نحو منطقی محدود شود تا حقوق اساسی حفظ گردد. این محدودیت عمومی سازی پرونده زمانی می تواند رخ دهد که افراد زیر سن قانونی که در این فرآیند درگیر شده اند، شاهدان یا افشاگران

باکس ۱۴. پرو: پخش تلویزیونی دادگاه فوجی موری

محاکمه رئیس جمهور پرو آلبرتو فوجی موری به خاطر نقض مکرر حقوق بشر و اتهامات فساد اداری روزانه از تلویزیون پخش شد. اگرچه اتاق ها ظرفیت محدودی (کمتر از ۵۰ صندلی) داشتند، پخش تلویزیونی رسیدگی ها منطبق با اصول عمومی سازی مندرج در کد آیین دادرسی کیفری پرو تضمین شده بود. جلسات عمومی درباره پرونده های حقوق بشر (La Cantuta, tanos del SIEÓ Barrios Altos and S) به طور کامل از طریق کانال های دولتی و کابلی پخش شد. همچنین قوه قضاییه اتاقی را که کامپیوترهای متصل به اینترنت، تلفن، فکس و وسایل فنی کافی برای کانال های تلویزیونی و ایستگاه های رادیویی برای دریافت صدا و تصویر اتفاقات جلسه دادگاه داشت فراهم ساخت که به عنوان اتاق مطبوعات (Press Room) عمل می کرد.

(whistle blowers) تحت حمایت وجود داشته باشند یا زمانی که پرونده به جرایم جنسی مربوط باشد و امثالهم. با این حال احکام مختلف دادگاه نشان می دهد که حفاظت از حریم خصوصی افراد رده بالا در پرونده هایی که منافع عمومی در معرض خطر با عملکردهای عمومی انجام شده به وسیله متهم مربوط می شود، مجاز نیست. این حمایت کمتر زمینه را برای ضبط آزاد یا انتشار تصاویر مرتبط با فعالیتی که فرد را به صورت عمومی می شناساند، فراهم می سازد. حق بر حریم خصوصی کسانی که به صورت داوطلبانه در فعالیت هایی شرکت می کنند

که آنها را در حوزه عمومی قرار می‌دهد، در مورد منافع عمومی اولویت ثانوی پیدا می‌کند با این استدلال که حق آزادی انتقاد از مسوولان بر مبنای اقداماتشان در حکومت است که جنبه‌ای از آزادی بیان شهروندان می‌باشد.

باکس ۱۵. کاستاریکا: قانون جدید آیین دادرسی کیفری

قانون جدید آیین دادرسی کیفری در کاستاریکا نشان دهنده مدلی از آیین دادرسی کیفری با ویژگی‌های اتهامی است. این مقررات لازم الاجرا در اصل مقررهای معقولی را در باب حق پوشش تلویزیونی در حین محاکمه را ایجاد می‌کند، در عین حال حمایت از منافع دیگری که ممکن است در تعارض با این پوشش باشد را مد نظر قرار می‌دهد. ماده ۳۳۰ اصل عمومی سازی دادگاه را به عنوان یک قاعده کلی مقرر می‌دارد، اما برگزاری دادگاه پشت درهای بسته را به طور کامل یا جزئی در صورت وجود برخی از شرایط زیر اجازه می‌دهد: الف) زمانی که پوشش مستقیماً بر حفظ حریم خصوصی یا ایمنی جانی هر یک از طرفین درگیر پرونده تأثیر می‌گذارد؛ ب) هنگامی که این عمل به طور جدی بر امنیت کشور یا منافع عدالت تأثیر می‌گذارد؛ ج) هنگامی که اسرار رسمی، خصوصی، تجاری یا صنعتی، که افشای ناعادلانه آن مجازات می‌شود، در معرض خطر قرار گیرد؛ د) هنگامی که در یک قانون خاص پیش‌بینی شده باشد؛ ه) هنگامی که شخصی محکوم می‌شود و دادگاه عمومی سازی را نامناسب تشخیص دهد، به ویژه در مواردی که شامل جرایم جنسی یا اظهارات افراد زیر سن قانونی است. هنگامی که علت عمومی نبودن رسیدگی‌ها به دیگران مربوط نیست، قوانین به صراحت بیان می‌کنند که عموم مردم مجدداً مجاز به ورود به اتاق دادگاه می‌شوند و در صورتی که دادگاه عمومی سازی را صلاح بدانند، رئیس دادگاه گزارش خلاصه‌ای از آنچه در دادگاه اتفاق افتاده ارائه می‌دهد. آنچه نوآورانه است مفاد ماده زیر است که رابطه بین اصل عمومی سازی و حضور رسانه‌ها در اتاق دادگاه را تعیین می‌کند.

ماده ۳۳۱- مشارکت رسانه‌ها: «برای اطلاع عموم مردم از رخدادهای اتاق دادگاه، پخش کننده‌های رادیو و تلویزیون می‌توانند تجهیزات ضبط، عکاسی، پخش رادیویی، فیلمبرداری یا رسانه‌های دیگر را در اتاق دادگاه نصب کنند. در هر پرونده، دادگاه شرایطی را که تحت آن چنین اختیاراتی اعمال می‌شود، تعیین خواهد کرد. با این وجود دادگاه از طریق اصدار یک تصمیم صحیح، حق ممانعت از چنین نصب‌هایی را زمانی که مانع پیشرفت بحث می‌شود یا بر هر یک از منافع ذکر شده در ماده قبل تأثیر می‌گذارد، دارد.»

اگر متهم، بزه‌دیده یا هر شخصی که باید مدارک را ارائه دهد، صراحتاً درخواست کنند که این شرکت‌ها تصویر و صدای آن‌ها را ثبت نکنند، دادگاه حقوق آنها را حفظ خواهد کرد.

۳-۴-۶. دادرسی علنی

جلسات رسیدگی عمومی یک سازوکار ایده آل برای طرف‌های درگیر پرونده و قضات است تا با هدف توصیف شرایط و اوضاع و احوال و مسائل یک پرونده، ترسیم واضح موضوع اصلی در آن پرونده برای حل و فصل آن، بحث در مورد جنبه‌های مختلف مربوط به پرونده و کشف چشم اندازه‌های جدید درباره تحلیل پرونده تعامل کنند. ضمناً اهمیت جلسات رسیدگی فراتر از طرف‌های پرونده بوده و به طور گسترده به نفع جامعه است.

این جلسات با تبیین کاربرد اصول قانون اساسی در موارد خاص به فهم عموم مردم کمک می کند. بنابراین برگزاری جلسات علنی می تواند به ارائه یک نوع درس مدنی به جامعه درباره فرآیند در حال انجام تفسیر قانون اساسی و

باکس ۱۶. استفاده از جلسات رسیدگی عمومی در پرونده های دارای ارتباط نهادهای عظیم

مکزیک

بین ماه های آوریل و جولای ۲۰۰۸ دادگاه عالی عدالت مکزیکی یک سری شش جلسه ای از جلسات استماع عمومی را در چارچوب پرونده ای که سقط جنین را از دیدگاه قانون اساسی بررسی می کرد، برگزار کرد. در پروسه ای که بحث های مهمی را در جامعه مکزیکی ایجاد کرد، این دادگاه اصلاحات ارائه شده توسط مجمع قانونگذاری فدرال در سال ۲۰۰۷ را بررسی کرد و دسترسی آزاد به سقط جنین را با درخواست ساده زنان در مکزیکو سیتی در سه ماهه اول بارداری مجاز دانست. این جلسات استماع برای شنیدن موضع گروه ها له و علیه این قانون برگزار شد. هم جلسات استماع [مقدماتی] و هم جلسات دادگاه - هم در فرمت های ویدیویی و هم به صورت رونوشت و خلاصه- بر روی وب سیتی که توسط دادگاه عالی تعیین شده ثبت شده و در دسترس هستند تا امکان نظارت مناسب بر پرونده برای شهروندان ایجاد شود. با بکارگیری این سازوکار، این دادگاه به طور کامل جامعه را از پیشرفت فرآیندی که به منظور حل یک مساله حساس مطابق با قانون اساسی پیگیری شده بود، آگاه کرد. (بنگرید <http://informa.scjn.gob.mx>)

آرژانتین

بر اساس شکایتی که به وسیله گروهی از همسایگان تحت تاثیر آلودگی شدید حوضه رودخانه ماتانزا - ریاجولو (Matanza- Riachuelo) مطرح شده بود، دیوان عالی کشور آرژانتین تصمیم گرفت تا در نزاعی که بر زندگی و سلامت بیش از چهار میلیون از ساکنان آن منطقه تاثیر می گذارد مداخله کند. با توجه به ابعاد و پیچیدگی این پرونده - که سه سطح از حکومت در حل آن دخیل هستند و جمعیت دو ناحیه پر جمعیت این کشور را دربر می گیرد- این دادگاه به جلسات استماع عمومی برای جمع آوری اطلاعات از ذی نفعان مختلف، شنیدن طرف های زیان دیده و تجزیه و تحلیل راه حل های احتمالی متوسل شد. مجموعه ای از جلسات بین سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ برگزار شد، که طی آن برای مثال دادگاه به توسعه آموزش و برنامه های اطلاع رسانی عمومی درباره این موضوع و مطالعه اثرات زیست محیطی تولید شده توسط همه شرکت های فعال در مناطق تحت تاثیری که مورد نیاز بود، دستور داد. به همین ترتیب دادگاه از شرکت ها خواست که جزئیات مربوط به اینکه چه موادی را آنها در رودخانه تخلیه می کنند، چه سیستم هایی برای ترمیم آلاینده ها استفاده می شود و آیا این شرکت ها دارای بیمه برای تضمین خسارات بالقوه هستند، منتشر کنند. در تمام موارد اتاق دادگاه مملو از حضور مردم و رسانه ها بود. سرانجام در ژوئیه ۲۰۰۸ این دادگاه حکم خود را صادر کرد و فهرستی طولانی از اقدامات جامع برای جبران و جلوگیری از آسیب های زیست محیطی را مورد حکم قرار داد.

اهمیت آن برای زندگی روزمره شهروندان کمک کند. این می تواند راهی برای آوردن دادگاه های عالی به جامعه و کمک به عموم مردم برای آموختن و فهم عملکرد دادگاه ها باشد.

با توجه به شمار زیاد پرونده ها در دادگاه های عالی، از آنها انتظار نمی رود جلسات را برای هر یک از این پرونده ها به صورت عمومی برگزار کنند. در عوض استفاده از شیوه برگزاری جلسات عمومی در شمار اندکی از پرونده های انتخاب شده استراتژیک بسته به اهمیت مسائل حقوقی مورد بررسی، مناسب است. در بسیاری از کشورها برگزاری این جلسات یک رویه معمول است (مانند آلمان، ایالات متحده، کانادا، آفریقای جنوبی و هند).

۴-۴-۶. دوستان دادگاه (*Amicus curiae*)

سازوکارهای بسیاری وجود دارد که به شهروندان فرصت می دهد تا دیدگاه های خود را در مورد یک مساله مورد بحث و راه حل بالقوه آن ارائه دهند. یکی از این سازوکارها به اختصار (*Amicus curiae*) است (که همچنین به عنوان مختصر دوستان دادگاه یا مشارکت شخص ثالث شناخته می شود) که شامل ارائه یک سند به وسیله یک

شخص ثالث کارشناس که از طرف‌های درگیر در پرونده مستقل است همچنین کسی که دیدگاه جدیدی برای قاضی درباره مساله در دست بررسی وی ارائه می‌دهد، می‌باشد. این علاوه بر استدلال‌های حقوقی یک سازوکار مشارکت شهروندان است که جست و جو برای عدالت را به یک فعالیت جمعی و نه محدود به تصمیم قاضی و استدلال‌های وکلای دو طرف تبدیل می‌کند. افزون بر این، فرصتی برای افزودن این اظهارات به پرونده، به عنوان یک بررسی نظارتی بر خود دادگاه به کار گرفته می‌شود؛ زیرا نمی‌توان استدلال‌های ارائه شده به وسیله اعضای جامعه، افراد یا سازمان‌های غیردولتی که سابقه شناخته شده‌ای در مسئله مورد بررسی دارند را بدون یک توضیح مناسب- نادیده گرفت.

این رویه تاثیر مثبت دوگانه دارد. این رویه فضای روشنی برای مشارکت شهروندان از طریق سازمان‌های مردم نهاد، انجمن‌های حرفه‌ای یا موسسات آکادمیک ایجاد می‌کند. علاوه بر این باز شدن بحث‌های حقوقی (که معمولا در اتاق‌های دادگاه و پشت درهای بسته انجام می‌شود) به ارائه استدلال‌های «بیرونی» که قطعا موجب افزایش شفافیت کار قضایی می‌شوند، کمک می‌کند.

Amicus curiae را می‌توان به دو شیوه تنظیم کرد: به وسیله دادگاه‌ها یا به وسیله قانونگذاری. دادگاه‌ها می‌توانند از طریق تصمیمات اداری یا تصمیمات دادگاه این مقرر را تعریف و به کار بندند. برای مثال موضوع در دیوان عالی آرژانتین اینگونه است. همچنین استفاده از Amici می‌تواند به وسیله مجلس قانونگذاری مقرر گردد که می‌تواند چارچوب قانونی مناسبی را که دادگاه‌ها می‌توانند در آن عمل کنند تصویب کند. برخی معتقدند این بهترین مسیر است؛ زیرا استفاده از چنین ابزارهایی به معنای چیزی کمتر از تعریف قواعد آیین دادرسی نزد دادگاه نیست، نقشی که به صورت سنتی در صلاحیت قوه مقننه است.

باکس ۱۷. آرژانتین: استفاده از دوستان دادگاه به وسیله دیوان عالی کشور

این سازوکار که در برخی از دادگاه‌های عالی استان‌های آرژانتین نیز وجود دارد -از جمله مانند دادگاه عالی شهر خودمختار بوینس آیرس (ماده ۲۲، قانون ۴۰۲) در سال ۲۰۰۴ به وسیله دادگاه عالی ملی پذیرفته شد. بر اساس تقاضای خود در قوانین ملی و بین‌المللی، دادگاه تاکید کرد که «مناسب تلقی می‌شود که در پرونده‌های در حال رسیدگی نزد این دادگاه و در پرونده‌هایی که موضوعات واردات سازمانی یا منافع عمومی مورد بررسی است، مداخله به عنوان دوستان دادگاه برای اشخاص ثالثی که دارای صلاحیت به رسمیت شناخته شده درباره موضوع مورد بررسی هستند و منفعت آشکاری را در حل نهادی پرونده نشان می‌دهند، باید مجاز باشد» (رای شماره ۲۰۰۴/۲۸)

با توجه به شمار فراوان پرونده‌هایی که عموماً به وسیله دادگاه‌های بالاتر ایالتی استماع و رسیدگی می‌شود، لازم به ذکر است که استفاده از Amici در تمام پرونده‌ها توصیه نمی‌شود و تنها در پرونده‌هایی که به دلیل پیامدهای حقوقی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی آنها در معرض ابتکار عمل قرار می‌گیرند، توصیه می‌شود.

عمومی سازی و شفافیت در عملکرد دادگاه‌ها یک ضرورت اساسی برای اثربخشی مفهوم دوستان دادگاه است. برای مثال دادگاه فدرال آرژانتین از سال ۲۰۰۶ پرونده‌هایی را که به علت اهمیت اساسی شان واجد شرایط حضور یک شخص ثالث هستند، در وب سایت خود منتشر می‌کند. این یک سیستم اجرا شده ساده است. در این مورد از طریق آیین نامه (یک حکم اداری صادر شده به وسیله خود دادگاه) مقرر گردیده هرچند لازم به ذکر است که در سایر موارد (مانند ایالت ریو نگرو آرژانتین) به وسیله یک قانون مصوب مجلس قانونگذاری محلی اجرا شده است.

۴-۵-۶. ابتکار عمل‌های جامعه مدنی برای نظارت بر قوه قضائیه

گذار به دموکراسی که کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ تجربه کردند با افزایش شمار سازمان‌های جامعه مدنی همراه بود. این بازیگران، نقش با ارزشی در گذار به رژیم‌های دموکراتیک، ارتقاء حاکمیت قانون و یک دولت پاسخگو بر اساس قواعد قانون اساسی ایفا کرده‌اند. در این فرایندها قوه قضائیه با توجه به چالش‌های متعددی که این کشورها با آن مواجه بودند از جمله محاکمه نقض‌های حقوق بشر، کنترل فساد اداری و به طور کلی پایبندی موثر و پایدار به حاکمیت قانون، اهمیت ویژه‌ای را به دست آورد.

باکس ۱۸. پرو: کنسرسیوم نهادی

موسسه دفاع حقوقی (The Legal Defense) و دانشکده حقوق دانشگاه کاتولیک پرو (Law School of The Catholic University of Peru) به تلاش‌ها برای ایجاد کنسرسیوم عدالت زنده پیوستند؛ تلاشی برای نظارت بر وضعیت قوه قضائیه به منظور مجهزتر شدن دفاع از تغییرات اساسی در بازسازی سیستم قضایی در این کشور آندی [شامل کشورهای کلمبیا، بولیوی، اکوادور و پرو] است. این کنسرسیوم، نظارتی جامع بر عملکرد همه اجزای قوه قضائیه، انجام می‌دهد که شامل تحقیقات متداول موسسات دانشگاهی همراه با پیشنهادهایی برای اصلاحات سیاسی و نهادی است. همچنین دارای وب سایتی است که شمار زیادی از نشریات و اسنادی را که نظام قضایی را تجزیه و تحلیل می‌کند، شامل می‌شود. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: www.iusticiaviva.org.pe

در این زمینه سازمان‌های جامعه مدنی، با توجه به ارتباط شان با فرآیندهای سیاسی و با عنایت به ضرورت ایجاد قوه قضائیه‌ای قادر به اجرای قواعد بازی در دموکراسی‌های نوظهور، به طور فزاینده‌ای در عملکرد دادگاه‌ها مورد توجه قرار گرفتند. به تدریج سازمان‌های مردم نهاد؛ نه تنها برای نظارت، ارزیابی و مذاقه (بررسی موشکافانه) بر عملکرد قوه قضائیه بلکه برای مشارکت قابل توجه شان در طرح پیشنهادهای اصلاح و مدرنیزاسیون به قصد ارتقا از جمله شفافیت، کارایی و قابلیت دسترسی به بازیگران برجسته‌ای تبدیل شدند.

ناظران قضایی و سازمان‌های نظارتی شهروندی تنها شماری از ابتکارات متعددی است که از سوی جامعه مدنی برای نظارت بر عملکرد نظام قضایی در این منطقه اجرا شده است. وجود پروژه‌های بلندمدت طراحی شده برای

نظارت بر قوه قضائیه، در ایجاد یک کنترل اجرایی بر عملکرد قوه قضائیه و تولید اطلاعات خاص درباره آن نقش

باکس ۱۹. ناظران قضایی (judicial observatories)

در حال حاضر ناظران قضایی ابزاری است که به وسیله جامعه مدنی برای اعمال نظارت بر قوای قضائیه منطقه طراحی شده و استفاده می شود. آنها به شکل های متفاوت عمل می کنند و ترکیب آنها ناهمگن است. ناظرانی هستند که به وسیله گروه های جامعه مدنی، دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی یا با ائتلاف شماری از این گروه ها ایجاد شده اند. همچنین آنها به لحاظ هدف متفاوت اند. در حالی که برخی از آنها در پی نظارت بر تمام فعالیت های قوه قضائیه هستند، دیگری فقط نهاد قضایی خاصی را پوشش می دهند. پوشش موضوعی آنها نیز متفاوت است؛ زیرا ممکن است آنها بر روی یک منطقه مشخص - برای مثال دادگاه های خانواده - تمرکز کنند یا تمام تخصص های حقوقی را دربر بگیرند.

خلاصه ای از برخی از ابتکارات در این منطقه در زیر می آید:

- نظارت بر عدالت قانون اساسی (کلمبیا): انتشار حقوق اساسی و مفاد احکام دادگاه قانون اساسی کلمبیا و دیوان آمریکایی حقوق بشر ترویج می دهد. وبگاه: www.defensoria.org.co

- نظارت بر نظام قضایی (اروگوئه): بر مسائل قضایی مربوط به کودکان و نوجوانان تمرکز دارد. وبگاه:

<http://observatoriojudicial.blogspot.com>

- نظارت ملی بر دموکراسی و حکمرانی (نیکاراگوئه): بر نظام سازمان قضایی در کنار سایر نهادهای حکومتی نظارت می کند. وبگاه: www.observatorionacional.org.ni

- کمیسیون قضات آندی (منطقه آند): به مشارکت برای دفاع از دموکراسی و حقوق بشر در کشورهای منطقه آند اختصاص یافته است. وبگاه: www.cajpe.org.pe

دوگانه ای دارند. به عنوان مثال نظارت بر یک دادگاه عالی نه تنها عملکرد دادگاه را ارزیابی می کند، بلکه همچنین می تواند درباره احکام آن دادگاه نیز آموزنده و آگاهی بخش باشد. این نوع پروژه می تواند در ارتباط با قوه قضائیه به طور کلی، یک نوع خاص دادگاه (حقوقی، کیفری، خانواده و غیره) یا یک دادگاه یا نهاد قضایی خاص، (برای مثال دیوان عالی کشور یا دفتر دفاع (Defense Office) انجام شود.

اقدام جمعی یک استراتژی موثر است؛ چرا که پتانسیل بازیگران فردی مختلف را به حداکثر می رساند. این شیوه عمل فرصتهایی برای پیوستن به تلاش های سازمان های مختلف (مانند دانشگاه ها، سازمان های مردم نهاد، انجمن های حرفه ای و رسانه های ارتباطی) فراهم می کند و مشارکت های پایدار میان بخش های مختلف ایجاد می کند.

بسیاری از این نوع فعالیت ها، بازرسی های اجتماعی واقعی را تشکیل می دهند. اینها فرآیندهایی هستند که شهروندان، با هدف دستیابی به ارائه خدمات رضایت بخش تر با توجه به نیازهای خود، به وسیله آنها بر مدیریت دولتی تاثیر می گذارند. در این مورد هدف مد نظر، بهبود کیفیت سازمان عدالت است. عناصر اساسی این ابتکارات، مشارکت شهروندان، تولید اطلاعات خاص و شفافیت و پاسخگویی به وسیله نهادی که بازرسی شده، هستند.

باکس ۲۰. پرو: حسابرسی اجتماعی از قوه قضائیه

از سال ۲۰۰۵ کمیسیون قضاات منطقه آند (n Andina de Juristas, CAJóComisi) در حال اجرای یک پروژه حسابرسی اجتماعی در ۹ دادگاه عالی اصلی پرو با هدف تقویت استقلال قضائی و بهبود مشروعیت سازمان های مجری عدالت است. این پروژه یک نظام قضائی باز و شفاف را ترویج می کند که شهروندان را در فعالیت های آن به ویژه در فرآیندهای ارزیابی تصمیمات قضایی در بر می گیرد. علاوه بر این امیدوار است که جریان مستمر و مداوم اطلاعات را از قوه قضائیه به سوی شهروندان ایجاد کند.

این پروژه به وسیله ایجاد کمیته های حسابرسی اجتماعی نظام قضایی (a Social al Sistema ís de AuditoréComit de Justicia, CASSJ) که عمدتاً به وسیله دانشجویان دانشگاه و با پشتیبانی لجستیک و زیربنایی دانشگاه های دولتی و خصوصی اجرا می شود، عمل می کند. CASSJ برای برقراری ارتباط با قضاات مایل به بررسی توسط جامعه مدنی (که به عنوان «قضاات شفاف» شناخته می شوند) که به طور داوطلبانه موافقت کرده اند اطلاعات شخصی و همچنین اطلاعات مربوط به عملکرد حرفه ای در حوزه قضایی خود را افشا کنند، آموزش دیده است. در حال حاضر تقریباً ۶۵ قاضی در سطوح مختلف (مرحله بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی) به این پروژه پیوسته اند.

از جمله نتایج اصلی این پروژه، ایجاد یک بانک اطلاعاتی حاوی اطلاعات درباره پیشینه قضاتی که از این ابتکار عمل حمایت می کنند؛ انتشار اینترنتی کپی های تمامی احکام و آیین نامه های آنها و ایجاد انجمن های گفتگو درباره مهمترین مسائل نظام قضائی است.

برای اطلاعات بیشتر، بنگرید: www.auditoriajudicial.org.pe

۷. نتیجه گیری

حق بر اطلاعات عمومی یک حق اساسی است که دولت باید آن را اجرا و تضمین کند. قوه قضائیه - به عنوان یکی از قوای حکومت - نه تنها متعهد به انتشار اطلاعاتی است که در طول عملکرد روزانه اش تولید می‌کند، بلکه همچنین نقش برجسته‌ای در اجرای موثر این حق ایفا می‌کند. به این معنا قضاوت باید به همان استانداردهای دسترسی به اطلاعات مانند سایر قوای حاکمیت احترام بگذارند. اگرچه مقاومت‌ها یا بی‌علاقگی‌هایی از بخشی از نهادهای قوه قضائیه در پذیرش استانداردهای گفته شده وجود دارد، درباره این مفهوم توافقی کلی وجود دارد که همان الزامات به عنوان مدیریت دولتی بر آنها اعمال می‌شود، از این رو آنها متعهدند دسترسی به اطلاعات مربوط به عملکرد اداری و وظایف قضاییشان را فراهم سازد. همین موضوع درباره شفافیت نیز صادق است؛ زیرا قوه قضائیه باید با الزامات مشابه سایر نهادهای دولتی مطابقت داشته باشد. یک مثال روشن، الزام قضاوت به ارائه اطلاعاتی افشای دارایی و درآمد یا الزام آنان به افشای اطلاعات آماری در مورد عملکرد قضائی شان است.

به رغم مقاومت مورد اشاره قبلی، شایان ذکر است که برخی از قوای قضائیه در این منطقه اقداماتی را به منظور بهبود رابطه شان با جامعه - با سطوح مختلف از عمق و موفقیت - اتخاذ کرده اند و در برخی موارد دستاوردهایشان از سایر قوای حاکمیت پیشی گرفته است. پیاده سازی ترتیباتی برای مشارکت جامعه در سطوح مختلف نظام قضایی نه تنها فرصت‌هایی برای بررسی اجتماعی عملکرد قضائی ایجاد می‌کند بلکه باعث تعامل مثبتی نیز می‌شود که نقش قضائی دادگاه‌ها را غنا می‌بخشد. برای مثال استفاده از دوستان دادگاه و برگزاری جلسات استماع عمومی برای رسیدگی به پرونده‌های واردات سازمانی عظیم به سازمان‌های جامعه مدنی اجازه می‌دهد در فرآیند تصمیم‌گیری به واسطه غنی سازی بحث‌ها با نظراتشان، مشارکت کنند ولی در عین حال به موضوعات مورد بحث اجازه می‌دهد به کل جامعه برسد. با این وجود ما باید تاکید کنیم که اجرای اصلاحات شفافیت اغلب به تجربیات یا ابتکارات آزمایشی منحصر به سازمان‌های معینی در دستگاه‌های قضایی محدود می‌شود.

با توجه به اقتصاد سیاسی فرآیند اصلاحات، توجه به این نکته مهم است که توجیه تغییرات همیشه لزوماً نباید هنجاری باشد. به عبارت دیگر، اگرچه قانون اساسی و حقوق بین الملل، همچنین عرف حقوقی ناشی از دادگاه‌های بین المللی وجود دارد، که به وضوح وظیفه قوه قضائیه را برای رعایت استانداردهای شفافیت ایجاد می‌کنند، دلایل بسیار اساسی و عملی نیز برای متقاعد کردن رهبران قضایی درباره اهمیت ترویج این اصلاحات، مانند عدم اعتماد شهروندان به قوه قضائیه، کم اعتباری قضاوت، و نقش اصلی سازمان‌های قضایی در حکمرانی و تثبیت دموکراسی، وجود دارد. ابزارهایی مانند اصلاحات دسترسی به اطلاعات و شفافیت می‌تواند به معکوس کردن وضعیت نگران کننده قوه‌های قضائیه آمریکای لاتین در مورد رابطه آنها با جامعه، کمک کند.

۷-۱. وضعیت اصلاحات

این تحقیق با فرض شناسایی رویه‌های خوب یا تجربه‌های مثبت در این منطقه آغاز شد. در بخش‌های پیشین ابتکاراتی از چندین بخش آمریکای لاتین بیان شده است. به این معنا نخستین یافته این است که در حال حاضر مجموعه‌ای از رویه‌های ارزشمند و بالقوه تکرارپذیر وجود دارد، بنابراین علاقمندان به اصلاح نباید از صفر شروع کنند. همچنین بسیاری از تجارب شناسایی شده بسیار پیچیده هستند، که نه تنها ایده‌های خوبی هستند بلکه

تمایل رو به رشد برخی از مقامات قضایی را برای برداشتن نخستین گام‌ها در جهت بهبود شفافیت و دسترسی به اطلاعات در نظام قضایی نشان می‌دهند.

با این وجود هدف از این کار مستندسازی جزئیات کامل کمبودهای گسترده در مورد اصلاحات شفافیت که هنوز در کشورهای آمریکای لاتین وجود دارد، نبود. برعکس، ما عمداً بر دستاوردها، رویه‌ها و فرصت‌های خوب برای ترویج تحولات هم در عملکرد روزانه قوه قضائیه و هم در ساختارهای مفهومی پیرامون تعهداتش به لحاظ شفافیت و دسترسی به اطلاعات تمرکز کردیم.

به این ترتیب تمرکز انحصاری بر رویه‌های قابل توجه در این منطقه احتمالاً به این بخش، در مورد تأثیرات اصلاحات توصیف شده لحنی بیش از حد خوش‌بینانه داده است. حقیقت این است که به رغم دستاوردها، بررسی وضعیت اصلاحات در آمریکای لاتین، چنانکه تجربیات شناسایی شده در بخش‌های پیشین بیان داشت، نشان می‌دهد که هنوز چالش‌های بزرگی وجود دارد. اگرچه برخی از قوه‌های قضائیه تلاش کرده اند تا شفافیت و دسترسی به سیاست‌های اطلاعاتی را بپذیرند، برخی دیگر به جای آن تنها اصلاحات جزئی اندکی را اعمال کرده اند. به بیان دقیق تر فقدان یک سیاست جامع که منطبق با استراتژی اصلاحات، تحت رهبری دیوان‌های عالی، با توجه به اقتصاد سیاسی تغییرات، هزینه‌ها و فایده‌ها و تأثیر آن بر کار قوه قضائیه اجرا شود، یک شکاف قابل توجه است.

متأسفانه در برخی از کشورها ابتکار عمل در مورد شفافیت و/یا دسترسی به اطلاعات به طور کامل وجود ندارد. با این وجود، این تنها کوتاهی قوه قضائیه نیست بلکه اغلب بر کل حکومت و دولت نیز تأثیر می‌گذارد. ممکن است این طور به ذهن برسد که سازمان‌های نظام قضایی به طور کامل از فرآیند اصلاحات در سایر بخش‌های حکومت جدا نیستند. در هر صورت هنوز شکاف‌های اطلاعاتی مربوط به شناسایی مشکلات و موانع اجرای اصلاحات شفافیت در این منطقه باقی است.

لازم به ذکر است، همانطور که موارد توضیح داده شده در این تحقیق نشان می‌دهد، در کشورهایی که اصلاحات به نحو موثری اجرا شده، تأثیر مثبتی داشته است. با این حال پتانسیل آنها را برای تغییر موقعیت‌های عدم شفافیت ایجاد شده به وسیله فرهنگ‌های عمیق تعبیه شده در سازمان‌های قضایی طی دهه‌ها، نباید بیش از حد ارزش گذاری کرد. اصلاحات شفافیت باید بخشی از فرآیند جامع تغییر مدیریت نظام قضایی، در رفتار قضات و در رابطه قوه قضائیه با جامعه باشد.

۲-۷. فرصت‌ها

سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های اهدا کننده بین‌المللی همچنان بستر مناسبی را برای ترویج اصلاحات شفافیت در قوه قضائیه هستند. اگرچه این چالش بزرگی است، با این حال برخورد با آن امر کاملاً جدیدی نیست. بسیاری از مسائلی که در این متن توضیح داده شد مانند IADB و بانک جهانی -در بسیاری از پروژه‌های اصلاحات قضائی در این منطقه مورد توجه قرار گرفته اند. به عنوان مثال ابتکارات مربوط به اصلاح مدیریتی، پذیرش نظام‌های اطلاعاتی برای نظارت بر عملکرد دادگاه را ترویج کرده است. بدون اطلاعات آماری قابل اطمینان و محکم، امکان ارزیابی مشکلات مدیریتی یا شناسایی ورودی‌ها و استراتژی‌هایی که برای حل آنها مورد نیاز است وجود ندارد. به

عبارت دیگر در حال حاضر جهانی ارزشمند از دانش و ظرفیت به وسیله سازمان‌های بین‌المللی ایجاد شده که می‌تواند برای ترویج اصلاحات از منظر شفافیت مورد استفاده مجدد قرار گیرد و در نتیجه همکاری این نهادها با اصلاحات مدیریتی به کار گرفته شود.

یکی از نخستین یافته‌های این تحقیق، عدم وجود اطلاعات سیستماتیک در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی درباره استانداردهای شفافیت و دسترسی به اطلاعات عمومی در قوه قضائیه است. همچنین تلاش‌های طراحی شده‌ای برای ارزیابی نظام قضایی بر اساس میزان انطباق آن با استانداردهای ذکر شده، وجود ندارد. به این ترتیب شاید زمانی که شاخص‌ها و پارامترهای عینی تعریف شده باشند، انجام مطالعات منطقه‌ای با هدف «بررسی وضعیت» یا رتبه‌بندی قضات، شناسایی کسانی که اصلاحات بیشتری را ایجاد کرده و با «رویه خوب» در این زمینه انطباق دارند، امکان‌پذیر باشد.

فقدان اطلاعات درباره این موضوع با مستندسازی ضعیف که در برخی نمونه‌های توصیف شده در این گزارش وجود دارد، ترکیب شده است. برای مثال درباره تاثیر استفاده از رسانه‌ها برای انتشار عملکرد قوه قضائیه (مانند مورد مکزیک و برزیل) یا نتایج برگزاری جلسات استماع عمومی برای حل و فصل پرونده‌های دارای تاثیر نهادی مهم (آرژانتین) اطلاعات کمی وجود دارد. به همین ترتیب برخی از مسائل شایسته تلاش‌های تحقیقی گسترده‌تر هستند؛ برای مثال رابطه بین عدالت، رسانه‌های جمعی و شهروندان.

به علاوه در مورد انتشار موادی مانند کتابچه‌های راهنما، ابزارها یا جزوه‌ها که اصلاحات را -به ویژه ناظر به اجرا- با موفقیت مستندسازی می‌کند به نحوی که تجربیات را بتوان در کشورهای دیگر تکرار کرد، کمبود وجود دارد. بسیاری از رویه‌هایی که در این گزارش شناسایی شد پیش از این تبیین نشده بود و بنابراین امکان افزایش تاثیر تلاش‌های انجام شده به وسیله قوای قضائیه که آنها را اجرا کرده‌اند، محدود می‌شود. فضای مهمی در زمینه‌ی انتشار مواد برای اشتراک مساعی تلاش‌ها بین سازمان‌های اهداکننده و غیردولتی در این منطقه وجود دارد.

همچنین لازم به ذکر است که برخی از این رویه‌های خوب به لحاظ شفافیت و دسترسی به اطلاعات هنوز به وسیله دادگاه‌های بین‌المللی در عملیات‌هایشان اعمال نشده است. برخی از مشکلات عدم شفافیت نیز که در بخش‌های پیشین توضیح داده شد، بر دادگاه‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی تاثیر می‌گذارند. برای مثال فرآیندهای انتصاب قضات برای دادگاه آمریکایی حقوق بشر شفافیت کمی دارند، شامل مذاکرات پیچیده سیاسی و عدم وجود نمونه‌های رسمی برای مشارکت سازمان‌های جامعه مدنی این منطقه. بنابراین بسیار مهم است که قادر به انجام مطالعه جامع چالش‌ها و فرصت‌ها برای ترویج اصلاحات شفافیت در دادگاه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی باشیم.

با توجه به فرصت، به خوبی شناخته شده است که بسیاری از کشورهای منطقه مانند آرژانتین هنوز دسترسی به قوانین اطلاعاتی ندارند. علاوه بر این در کشورهایی که چارچوب قانونی تصویب شده، چنین قواعدی برای اعمال در قوه قضائیه زیاد نیست. اصولاً برای همه کشورها داشتن چارچوب‌های قانونی، که به وسیله‌کنگره تصویب شده، ۵۵ مطلوب است که حق دسترسی به اطلاعات عمومی در تمام سطوح و قوای حکومت، از شهرداری‌ها تا استان‌ها، و شامل قوه مقننه و قوه قضائیه را به رسمیت می‌شناسد و تضمین می‌کند. به این معنا هنوز هم تلاش‌های بزرگی

برای انتشار و افزایش آگاهی به منظور قرار دادن موضوع در دستور کار کشورها و دستیابی به شناخت حقوقی و مقررات خاصی که برای تضمین کامل دسترسی به اطلاعات عمومی لازم است، باقی مانده است.

به همین ترتیب این چارچوب‌های قانونی باید قوه قضائیه را در میان کسانی که باید اطلاعات را ارائه دهند، قرار دهد. و باز ضروری است که تعادل مناسب بین احترام برای استقلال نظام قضایی و تعهد آن نسبت به پاسخگویی به شهروندان ایجاد شود. به عنوان یک حداقل، دسترسی به قوانین اطلاعات عمومی باید دسترسی به اطلاعات مربوط به جنبه‌های اداری عملکرد نهادهای قضائی را از جمله: بودجه، مدیریت مالی، تدارکات، فهرست کارکنان و غیره را تضمین کند. اینکه در مورد اطلاعات مربوط به عملکرد قضائی قوه قضائیه (عمومی سازی احکام و سایر تصمیمات؛ دسترسی به فایل‌های پرونده را؛ عمومی سازی روند جاری درون دادگاه‌ها و سایر موارد) چه باید انجام شود، هنوز مشخص نشده است. این یک مساله حساس است که میان متخصصان بحث ایجاد کرده است. با این حال موقعیتی که در آن نظام‌های سیاسی آمریکای لاتین در حال حاضر یافت می‌شوند، سناریوی پیچیده‌ای ارائه می‌دهد. با توجه به موقعیت قوای قضائیه در این منطقه، مشکلات شفافیت که در این گزارش توضیح داده شد و بی اعتباری قضات و دادگاه‌ها در چشم شهروندان، دسترسی به قوانین اطلاعاتی برای تحمیل استانداردهای بالا که نتیجه سیاست‌های موثر برای تضمین به رسمیت شناختن گسترده حق شهروندان برای دسترسی به اطلاعات تولید شده توسط نظام‌های قضایی، که شامل نتایج عملکرد قضایی آنها می‌شود، ضروری است.

۸. جدول/چکیده

مقولات	ابزارها	تجربه‌ها
دسترسی به اطلاعات و شفافیت، مربوط به عملکرد داخلی/جنبه‌های اداری قوه قضاییه	اطلاعات درباره مدیریت منابع مالی عمومی	<p>شیلی: قانون تدارکات/ تملک عمومی</p> <p>گواتمالا: اطلاع رسانی درباره فرآیندهای تدارکات</p> <p>مکزیک: اطلاع رسانی بودجه بر روی اینترنت</p>
اطلاعات درباره انتصاب قضات و مقامات	<p>مشارکت جامعه مدنی در سازوکارها برای گزینش قضات.</p> <p>عمومی سازی قرائن مختلف سازوکارهای گزینش و انفصال</p> <p>انتشار وسیع فهرست متقاضیان و پیشینه آنان.</p>	<p>آرژانتین: شفافیت و مشارکت در سازوکارهای انتصاب قضات.</p> <p>کلمبیا: مشارکت در گزینش قضات دادگاه قانون اساسی</p>
اطلاعی‌های افشای اطلاعات درباره دارایی‌ها و درآمد	- دسترسی به اطلاعاتی‌های افشای درآمد و دارایی	آرژانتین: قانون اخلاق عمومی
اطلاعات جلسات مقامات عالی رتبه	-	-
دسترسی به آمارها	<p>- اطلاعات آماری در اینترنت و در نشریات رسمی (گزارش‌های آماری سالانه و غیره)</p> <p>- اطلاعات درباره تعداد فایل‌های پرونده‌ها، در انتظار رسیدگی و مختومه در طی یک دوره زمانی؛ طول مدت رسیدگی به پرونده‌ها؛ تعداد محکومیت در هر موضوع؛ بودجه و هزینه‌ها؛ تعداد کارمندان و غیره</p>	<p>کاستاریکا: آمار درباره کار قوه قضاییه. گزارش‌های آماری سالانه</p>

مقولات	ابزارها	تجربه‌ها
دسترسی به اطلاعات و رویه‌های شفاف مربوط به عملکرد قضایی قوه قضاییه	عمومی سازی احکام دیوان عالی کشور - احکام در دسترس برای وب سایت قوه قضاییه - انتشار کار دیوان عالی از طریق رسانه‌های جمعی	مکزیک: عمومی سازی احکام روی اینترنت آرژانتین: "احکام دادگاه در مورد دسترسی شهروندان" ایالات متحده: پوشش [رسیدگی به] پرونده‌های دادگاه منطقه: عدالت و رسانه
دسترسی به فایل‌های پرونده‌های فساد مقامات دولتی	مشاوره و دسترسی به فایل‌های پرونده دادگاه	آرژانتین: مشارکت سمن‌ها در پرونده‌های فساد
اطلاعات درباره عملکرد داخلی دیوان عالی	- اطلاع رسانی درباره جریان پرونده‌های در دادگاه‌ها. - اطلاع رسانی درباره آیین‌های دادرسی انضباطی علیه قضات	کاستاریکا: عمومی سازی دقایقی از فضای دادگاه و شورای عالی و اطلاع رسانی در مورد رسیدگی‌های انضباطی علیه قضات.
شفافیت در جلسه دادگاه و سازوکارهای	- مقررات دوستان دادگاه - برگزاری جلسات استماع برای بررسی پرونده‌های مهم - انتشار جلسات دادگاه - ایجاد ناظران قضایی - عمومی سازی جلسات استماع شفاهی در دادگاه‌ها با روابط عمومی	آرژانتین: استفاده از دوستان دادگاه به وسیله دیوان عالی آرژانتین. مکزیک: به کارگیری جلسات استماع عمومی در پرونده‌های ارتباطات نهادی. مکزیک: شبکه تلویزیونی درباره مسائل قضایی. برزیل: شبکه رادیویی درباره مسائل قضایی. کلمبیا: ناظران قانون اساسی. پرو: پخش تلویزیونی دادگاه فوجی موری.